

Organization

سازمان

Pars

پارس

Overthrow
Committee

شورای براندازی



مردادماه ۳۷۴۷ جمشیدی
اوت ۲۰۰۹

گاهنامه
1€

شماره ۸۴
سال یازدهم



حکومت اسلامی در ایران محکوم به نابودی است و این مهم با همیاری و رزم فرزندان ایرانزمین به زودی عملی خواهد شد و پس از یک دوره انتقالی به ایرانی آزاد، آباد و سرافراز دست خواهیم یافت.



میهن پرستان بپا خیزید



فرزندان ایرانزمین، اکنون ما در شرایطی هستیم که بیم **حمله نظامی** و **بمباران** ایران توسط نیروهای خارجی می رود. شرایط به وجود آمده، نتیجه عملکرد ضد ایرانی حکومت **جبار** اسلامی و اپوزیسیون ستون پنجم آن یعنی اصلاح طلبان، مجاهدین خلق، ملی مذهبیون، سلطنت طلب های پهلوی چی خائن که در مسیر حمایت بخشی از حکومت جبار اسلامی ایران ستیز هستند، می باشد.

فرزندان ایرانزمین، از شماست که **بپا خیزید** و وجود پلید این حکومت جانی را نابود سازید. **سازمان پارس و شورای براندازی** تنها به یاری شما **میهن پرستان** و **مبارزان** راه آزادی ایران می اندیشد و بداند که همبستگی **فرزندان ایرانزمین** برای نابودی **شیاطین مذهبی** در ایران چنان نیرویی تدارک خواهد دید که همه **دشمنان** داخلی و خارجی ایرانزمین را نابود می سازد و با همیاری یکدیگر ایرانی **آزاد، آباد** و **سرافراز** را پایه گذاری خواهیم نمود. با نابودی حکومت ملایان و **اهل عمامه**، روابط سالم و احترام متقابل کشور ایران با جهان گشوده خواهد شد و صلح و آرامش، رفاه و شادی به منطقه باز خواهد گشت.

فهرست

- ۱ میهن پرستان بپا خیزید
- ۳ جابر کلیدی: پاسخ به نظر خواهی گزارشگران
- ۵ کدام جمهوری؟ کدام اسلامی؟
- ۸ در پاسخ هوشنگ معین زاده برای پیام دلسوزانه او به خامنه ای
- ۱۱ به رفقا و دوستان اعتصاب کننده
- ۱۱ آنفولانزای آخوندی
- ۱۲ کوسه و مارمولک
- ۱۳ پروانه قاسمی: پرچم ما رنگ سرخ دارد
- ۱۳ فیگارو: ایران، پایان افسانه حکومت مذهبی
- ۱۵ دمکراسی همان سکولاریسم است
- ۱۶ از چاه به چاله، از چاله به چاه
- ۱۸ خبرها

برون سراز این بارنگ آوریم

بیاتابو شیم و جنگ آوریم

خود به دژخیمان ضد ایرانی سپرده اند تا قربانی فرصت طلبی ها و سودجویی های شخصی آنان گردند.

فرزندان ایرانزمین به خود آید، **ایران اهورایی** و آینده این **مرز پرگهر** به شما نیاز دارد، **بپا خیزید** و در کنار **سازمان پارس و شورای براندازی** وظیفه ملی و میهنی خود را در قبال کشورتان به پایان برسانید و با مبارزه و نبرد علیه **اهریمن مذهبی** و **ملایان ضد ایرانی** آنان را به زباله دان تاریخ بیافکنید.

فرزندان ایرانزمین وظیفه ما به عنوان **نیروی اصلی** و کارساز اپوزیسیون برای نابودی دشمنان ایرانزمین آن است که هرچه فراتر در خارج از مرزهای میهنمان به افشاگری خوی پلید و ضد انسانی این **حکومت شیطانی** پردازیم و در رسوایی **عناصر ستون پنجم** و مزدوران حکومت اسلامی در اپوزیسیون فعال باشیم تا دیگر نتوانند به **فرزندان راستین ایرانزمین** ضربه وارد سازند و همچنین با اعلانات و افشاگری های بین المللی، **استعمارگران جهانی** را از مسیر تخریب فرهنگ و نهاد ملی مان خارج سازیم تا بتوانیم براندازی حکومت اسلامی را با همت فرزندان راستین و مبارز ایرانزمین میسر سازیم.

فرزندان مبارز ایرانزمین در داخل، با هر حربه ای که در توان دارید به جان و مال این دستارندان و اهل عمامه های شرور و دغل کار ضد ایرانی، صدمه برسانید و تا نابودی کامل این اشرار اسلامی دمی آرام نگیرید.

فرزندان ایرانزمین بدانید که **نفس پلید حکومت اسلامی** با مشکلات عمیق داخلی و خارجی روبرو می باشد که آن نیز زاییده ۳۰ سال جنایت، دزدی و نابود ساختن فرهنگ ایرانی می باشد. **فرزندان ایرانزمین**، **شیرزنان** و **آزادمردان مبارز**، برای **روز قیام ملی** که روز آزادی و رهایی ملت ستمدیده ایران می باشد آماده شوید. **فرزندان مبارز ایرانزمین** این شما هستید که می بایست با رزم و پیکار و از خود گذشتگی **بپا خیزید** و در جهت نابودی و براندازی حکومت جبار ضد ایرانی چاره ساز باشید. **فرزندان ایرانزمین** به امید **نیروهای خارجی** و آزادسازی ایران توسط آنان نباشید که به سود منافع و مصالح و همچنین آزادی و استقلال ایران آینده نخواهد بود. **فرزندان ایرانزمین** با همیاری شما در کنار سازمان پارس و شورای براندازی، اضمحلال و نابودی **ملایان جنایکار حاکم** در ایران و در کل **حکومت اشرار اسلامی ضد ایرانی** قطعی می باشد ولی فراموش نکنید که نخستین شرط، این است که **عاشق** باشیم، **عاشق میهنمان** و **عاشق ایران** و ایرانی.

فرزندان ایرانزمین من آرمان نوری از شما انتظار دارم که در مسیر **مهر و دوستی** با یکدیگر، تنها به آزادی، آبادی و

فرزندان ایرانزمین اکنون بسیاری از افراد سرشناس در **اپوزیسیون** توسط **حکومت اسلامی** با حمایت بیگانگان خریداری شده اند. چهره های سرشناسی که زمانی می پنداشتیم از میهن پرستان می باشند و در میدان و عرصه پیکار با **اهریمن** با ما صادق هستند، اکنون می بینیم که چه **ارزان چوب حراج** را به پیشینه مبهم خود و **پیکر زخم خورده میهن اهوراییمان** زده اند.

اینچنین است که نبود یک اپوزیسیون متعهد و کاردان را به **جز سازمان پارس و شورای براندازی** در خارج به خوبی می توان احساس نمود.

در این لحظات **حساس** از تاریخ مملکتمان، دو راه برای مردم ایران باقی مانده است، نخست، حمایت از **سازمان پارس و شورای براندازی** برای نابودی **حکومت جبار اسلامی** در ایران که پس از آن آزادی، آبادی و سرفرازی به همه ایرانیان ارزانی داده خواهد شد و یا در انتظار ماندن و چشم به **بیگانگان** دوختن، برای ویرانی ایران و **کشتار بیشتر هم میهنان** و اسیر ماندن در دام **اپوزیسیون ستون پنجم حکومت اسلامی** و در نتیجه اضمحلال روزانه میهنمان را شاهد بودن.

عملکرد ضد میهنی اپوزیسیون ستون پنجم حکومت اسلامی و بسیاری از ایرانیان در خارج برای استمرار **شیاطین مذهبی** در ایران به حد نهایت رسیده است.

حمایت مستقیم و غیر مستقیم **عناصر ضد ملی و میهنی** و همچنین **قلم به مزدان بی سر و پا**، طماع و مفت خوران فرصت طلب، از حکومت ضد ایرانی اسلامی در ایران، تاکنون هستی سوز و بنیاد برافکن در پیروزی یک **حرکت برانداز میهنی** علیه **دستارندان حاکم** در ایران بوده است.

اینان فناکنندگان غرور و عرق میهن پرستانه ایرانیان بوده اند و تا این هنگام عملکرد و سخنان نفرت انگیزشان علیه منافع و مصالح ملی - میهنی تنظیم گشته است. این **عناصر** یاری رسان **استمرار ملایان پلید و خونخوار** و بیگانه پرست ضد ایرانی بوده اند. این قلم به مزدان فرصت طلب در نقش نویسنده، کارشناسان سیاسی - فرهنگی، شاعران و هنرمندان و همچنین برنامه سازان رادیو و تلویزیون های به اصطلاح ایرانی و خارجی در نقش **روشنفکران تاریک اندیش**، ضربات ناجوانمردانه ای بر پیکر عزیز مام میهن وارد ساخته اند. این **خمیرمایه های بی شرمی**، پستی و رذالت در کمال ناجوانمردی در اختیار سوداگران و کارگزاران استعمار جهانی بوده اند و در تقویت و استمرار **جلادان حیلہ گر**، دزدان و **جانان حکومت اسلامی** از هیچ خیانتی علیه **فرزندان ایرانزمین** رویگردان نبوده اند و آنان را برای منافع مادی و اقتصادی

جدید و شدیدتری در میان ارگانها و افراد حاکمیت روبرو می شویم. در واقع **دوران جدیدی** در حیات رژیم آغاز شده است که دیگر باز گشت به شرایط پیش از انتخابات را ناممکن ساخته است.

این درست است که **انگیزه ابتدایی** جنبش، تناقضات و **اختلافات درونی** رژیم، بویژه اعتراض به نتایج انتخابات بود ولی به دلیل شکنندگی و ضعف نظام و انباشت تضادهای اجتماعی طی ۳۰ سال حاکمیت استبدادی، جنبش در همان آغاز، در عمل این چارچوب را شکست و به سطح مخالفت با کلیت رژیم گذر نمود. این از ویژگی های **نظام های استبدادی** است که هر مسئله ساده ای بلافاصله تبدیل به حرکتی سیاسی علیه نظام می گردد. باقی ماندن **موسوی** و **کروبی** در موضع مخالفت با انتخاب احمدی نژاد، به این دلیل است که به نوعی بتوانند نفوذ خود را در جنبش حفظ کنند تا باین ترتیب از **رادیکالیسم** جنبش که به سرعت به سمت سرنگونی رژیم سیر می کند، جلوگیری کنند. بنابراین دینامیسم و خصلت دموکراتیک جنبش نه تنها موسوی و ... را پشت سر گذاشته است بلکه شعارها و خواست های مطرح شده، از **کلیت رژیم** اسلامی نیز گذشته و تمامیت رژیم را به زیر سؤال کشیده است. درست به این دلیل است که جناح های مختلف **بورژوازی** در داخل و خارج، با حمایت آشکار قدرت های **امپریالیستی** و پوشش وسیع رسانه های خبری بین المللی، می کوشند با بسیج نیرو، در حمایت از موسوی، او را به عنوان **آلترناتیو** در مقابل احمدی نژاد مطرح نمایند و باین ترتیب جنبش را **تحت کنترل** جناح های رژیم در آورند.

۲- با در نظر گرفتن اینکه موسوی همواره تأکید بر حفظ نظام داشته و دارد، آیا ایشان دارای این ظرفیت هست که بتواند با رهبری **جنبش سبز**، ایران را به **آزادی** برساند؟

ج- همانطورکه در بالا اشاره شد، موسوی و بقیه کاندیداها، بخش هایی از خود رژیم هستند، از این رو نه ظرفیت و نه رسالت رساندن جامعه به آزادی را ندارند. در مورد چیزی به نام « جنبش سبز » باید یادآوری کنیم که گرچه در آغاز چنین رنگی در میان جنبش دیده می شد ولی به دلیل شرکت توده هایی که به هیچ جناحی از **حاکمیت** توهم نداشتند و بسیاری حتا در انتخابات شرکت نکرده بودند (منباب نمونه بسیاری که توسط دژخیمان رژیم کشته شده اند، صرفاً از این فرصت برای **ابراز تنفر** از رژیم استفاده کرده بودند. **ندا آقا سلطان** تنها نمونه ای بارز در این میان است) به تدریج رنگ باخت و در این اواخر دیگر کمتر شاهد آن بودیم. بباور من، « جنبش سبز » در داخل

سرافرازی میهنستان بیاندیشید و چنین است که زمینه ساز همبستگی و **خیزش قیام ملی** را فراهم خواهید آورد و پس از آن رهایی میهنمان از چنگال اختاپوس مخوف ضد ایرانی عملی خواهد شد.

در ره منزل لیلی که خطرناک در آن شرط اول قدم آن است که **مجنون باشی**

جاوید ایران

دکتر آرمان نوری

رهبر جنبش سپید براندازی

جابر کلیبی: پاسخ به نظر خواهی گزارشگران



۱- هم اینک مطرح می شود که « عبور از موسوی اجتناب ناپذیر است »، با توجه به رویدادهای اخیر، نظر شما در این مورد چیست؟

ج- بباور من، موسوی، کروبی و اساساً بحث هایی که برای تدارک انتخابات توسط کاندیداها با آن شدت و حدت بی سابقه جریان یافت و نیز

تناقضات و دعوای پس از انتخابات، آخرین کوشش های یک **رژیم وامانده** و منزوی شده برای نجات خویش است. همه می دانند که با این افراد که تازه خود از **صافی رژیم** رد شده و منتخب آن هستند و از همه این ها روشن تر، عوامل مهم اجرایی و سیاسی نظام در سیاه ترین دوران های آن می باشند، هیچ تغییری امکان پذیر نیست. زیرا خود آنها، به عنوان بخشی از این رژیم، نیز **هدف** این تغییر هستند.

با این همه، میان آنچه طی انتخابات انجام گرفت با آنچه در پس آن رخداد باید تفاوت اساسی گذاشت. تا انتخابات هنوز به نحوی اوضاع تحت کنترل ارگان های اصلی رژیم بود و بهر رو بحث ها در چارچوب قابل تحملی برای نظام جریان داشت ولی پس از آن، بویژه هنگامی که مردم به خیابانها ریختند و اختلافات درونی اوج تازه ای به خود گرفت، دیگر هیچ ارگانی، از « رهبر » گرفته تا « **دوراندیشان** » رژیم توان کنترل و به نحوی جمع و جور نمودن اوضاع را از دست داد و ما هر روز با تنش های

جمهوری اسلامی، علیرغم لاف و گزافهایی که در جریان انتخابات زد، نه تنها تغییری در شرایط استبدادی حاکم نداد بلکه ترور و خفقان را نیز شدت بخشید. ترورهای جمعی و فردی، قتل‌های زنجیره‌ای، سرکوب خونین جنبش دانشجویی و ... در دوران ریاست جمهوری «اصلاح طلبان» اتفاق افتاد. بنابراین مسئله بر سر این یا آن فرد و این یا آن ادعا نیست، مسئله بر سر نظامی است که اصلاح‌پذیر نیست. آنچه می‌توانم در پاسخ به این سؤال می‌بگویم، این است که در شرایط کنونی، کوشش برای سازماندهی نیرو و توان انقلابی در داخل و خارج برای درهم شکستن پایه‌های اصلی رژیم، در داخل و در خارج اهمیت اساسی دارد. فراموش نکنیم که رژیم مزدوران زیادی در همه زمینه‌ها در خارج از کشور دارد که اهمیت مبارزه با آنها کمتر از مبارزه علیه رژیم در داخل نیست.

۵- چرا تا کنون اپوزیسیون داخل و خارج کشور نتوانسته- اند یک شورای حمایت از خیزش‌های مردمی و جنبش اجتماعی ایران تشکیل دهند تا بتوانند این جنبش را هدایت کنند؟

ج- این که چه ابزاری برای حمایت از خیزش‌های مردمی و جنبش‌های اجتماعی ضرورت دارد و نیز چگونگی تشکیل آن، صرفاً مسئله‌ای تئوریک نیست بلکه در عین حال و پیش از هر چیز مسئله‌ای عملی است که رشد و تکامل جنبش آن را در دستور کار قرار می‌دهد. همانطور که در پیش اشاره کردیم شرایط کنونی جنبش هنوز به آن درجه نرسیده که شرایط چنین ابزاری را فراهم کند. در این میان اهمیت به میدان آمدن زحمت‌کشان، بویژه طبقه کارگر، به عنوان تنها آلترناتیو دموکراتیک در مقابل رژیم اسلامی اهمیت اساسی دارد. هنگامی چنین جنبشی با سیمای طبقاتی روشن، در مقابل رژیم حاکم شکل گرفت، این جنبش می‌تواند محور اصلی و مادی وحدت‌ها و سازماندهی‌ها گردد. فعلاً و تا آن زمان می‌توان در سطوح مختلف به حمایت از جنبش پرداخت. وظیفه اصلی ما در خارج از کشور در عین دفاع از مبارزات مردم در داخل، مبارزه با جریان‌ها و افرادی است که می‌کوشند به انحاء مختلف سدی در مقابل حرکت جنبش به سوی سرنگونی تمامیت نظام حاکم ایجاد کنند. شما حتماً از اعتصاب غذای گنجی و فعالیت فرصت‌طلبانی که بوی کباب به مشامشان خورده و به دنبال گنجی افتاده‌اند، اطلاع دارید.

خیل خواننده و نوازنده و فیلم‌ساز و شاعر به دنبال گنجی روان گشته‌اند تا از او یک قهرمان ملی و دموکراتیک بسازند. این‌ها همه کوشش‌هایی است که در سطوح مختلف

و در خارج، جنبشی ارتجاعی و در خدمت حفظ نظام جمهوری اسلامی است.

۳- چه راهکارهایی را برای تشکیل شورای حمایت از جنبش خونین مردم و یا هر نهاد هدایت‌گر دیگر پیشنهاد می‌کنید؟ فکر می‌کنید در عین حال واکنش نیروهای مختلف شرکت‌کننده در این خیزش‌ها، نسبت به این راهکارها چیست؟

ج- وظیفه کمونیست‌ها همواره دفاع از مبارزات اجتماعی و شرکت عملی جهت تحقق خواست‌های مترقی آنهاست. این وظیفه عمومی اما به معنای نیست که مواضع و مبارزه طبقاتی را ندیده بگیریم. در جنبش‌های اجتماعی، طبقات و اقشار مختلفی شرکت می‌کنند و طبعاً هرکدام از آنها اهداف متفاوت و حتی متضادی را تعقیب می‌کنند. این تناقضات در نیروهای اپوزیسیون نیز منعکس می‌شوند و هر جریان بنا بر مواضع سیاسی و جهانی‌بینی طبقاتی خود از این جنبش‌ها حمایت و در آن‌ها شرکت می‌کند. با توجه به این واقعیت است که می‌بینیم جریان‌های مختلف، هرکدام بنا بر بینش سیاسی و مسایل طبقاتی خود به حمایت از این جنبش‌ها می‌پردازند. هنوز میان نیروهای چپ و کمونیست با نیروهای دیگر، بر سر مسئله سرنگونی نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی اختلاف فاحشی وجود دارد. از این رو، کیفیت جنبش در مرحله کنونی آنچنان نیست که بتوان برای حمایت از آن یک شورا یا یک سازماندهی متحد ایجاد کرد. اما هنگامی که جنبش در ایران، بویژه جنبش کارگری و اقشار زحمت‌کش، به رشد و انسجام معینی رسید و دینامیسم طبقاتی آن متبلور شد، می‌توان حول آن ابزارهای مشخصی سازماندهی نمود. بدون تردید، در آن دوران بسیاری از نیروهای راست و بورژوا، میدان مبارزه و صحنه دفاع از جنبش را خالی خواهند نمود و به احتمال زیاد به صفوف ارتجاع خواهند پیوست. هرچه مبارزه رشد بیشتری کند، به همان نسبت مبارزه طبقاتی برای تعیین سرنوشت جامعه نیز شدت و حدت بیشتری می‌گیرد.

۴- با توجه به سرکوب‌های اخیر و حضور احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور، چه راهکارهایی را برای مردم و به ویژه خارج از کشوری‌ها ارائه می‌دهید که مانع حضور وی بر مسند ریاست جمهوری باشد؟ لطفاً این راه‌کارها در مورد مردم ایران و خیل گسترده تبعیدیان و مهاجران ایرانی بیان کنید.

ج- تصور می‌کنم مسئله اساسی جنبش فراتر از احمدی‌نژاد و موسوی است و حضور یا عدم حضور او بر مسند ریاست جمهوری تغییر چندانی در شرایط دیکتاتوری حاکم نمی‌دهد. کما این که تکیه خاتمی به عنوان اصلاح‌طلب بر مسند ریاست

کدام جمهوری؟ کدام اسلامی؟

نوشته رامین کامران

ژوئیه ۲۰۰۹

ضرب اجتماعی اعتراضات اخیر در ایران همگان را به سوی موضعگیری و گاه کوشش در تفسیر واقعه کشانده است. شاید رایج ترین مقولاتی که در این هر دو راه به کار گرفته شده این زوج «جمهوری» و «اسلامی» باشد که برخی مدعی هستند با انتخابات اخیر نصفش از دست رفته و باید اعاده گردد.

تحلیل هایی را که بر پایه این دو مقوله بنا شده در همه جا می بینیم و شعارهایی را هم که در این زمینه داده می شود همگی می شنویم.

باید به صراحت گفت که این حرفها بسیار سست است. البته سستی آنها حتماً به چشم بسیاری می آید ولی گویی همین هویدا بودن **ضعفشان** باعث می شود تا به چیزیشان نشمرند و با **بی اعتنایی** از کنارشان رد شوند. تصور می کنم انقلاب ۵۷ باید به ما آموخته باشد که چنین رفتاری بسیار **خطرناک** است. حرفی که در **میدان منطق** سست باشد الزاماً در **پهنه تاریخ** ضعیف نیست. **اسلامگرایان** با همین نوع حرفها به قدرت رسیدند و نیرویی که بالاخره **پیروشان کرد** از همین قبیل سخنانی برمی خاست که در چشم بسیاری بی مایه و گاه شایسته **تحقیر** می نمود. حرف یاوه به قربانیانش رحم نمی کند پس به او رحم نباید کرد. اگر تصور می فرمایید که اغراق می کنم نگاهی به سرنوشت سی سال اخیر خودتان و کشورتان بیاندازید.

مارکس در حق **امپراتوری کهن آلمان** که به دلیل ادعای گرد هم آوردن دو اقتدار سیاسی و مذهبی رسماً «**امپراتوری مقدس رومی**» (sacrum romanum imperium) نام داشت، به طعنه گفته بود این امپراتوری نه **مقدس** بود و نه **رومی** ولی **ادعای** هر دو را داشت! این سخن در مورد جمهوری اسلامی هم که خمینی ساخته به کمال صادق است، چون این نظامی که ادعای بهره وری از هر دو صفت جمهوری و اسلامی را دارد نه جمهوری بودنش از روز اول معنای درستی داشته است و نه اسلامی بودنش. اول این تخم دو زرده ای را که خمینی برای ما گذاشت از نزدیک واریسی کنیم تا بعد ببینیم با آن چه املتی می توان درست کرد.

کدام جمهوری؟

خمینی تا قبل از به راه افتادن انقلاب اسلامی مطلقاً عنایتی به **مفهوم جمهوری** نداشت و در کتاب ولایت فقیهش فقط

برای **جلوگیری از حرکت جنبش** به سمت **سرنگونی رژیم** انجام می گیرد.

از جانب دیگر، متأسفانه در برخی جریانات مدعی چپ، هنوز مسئله **سرنگونی** و **خصلت فاشیستی** رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران، علیرغم تبلور آشکار آن در جنبش های اجتماعی روشن نیست و برخی در این مورد تردیدهایی دارند. در مورد **خصلت فاشیستی** رژیم کافی است به صحنه هایی که مزدوران رژیم در **سرکوب وحشیانه تظاهرات** آفریدند و در واقع تجسم کامل فاشیسم است، نظری بیافکنیم تا عمق **بربریت** و **ددمنشی** رژیم اسلامی را دریابیم. تا زمانی که چنین تردیدهایی وجود دارد، نمی توان یک جبهه ی وسیع و موثر در خارج، در حمایت از جنبش داخل سامان داد.

- بصورت عمومی نظر و طرز برخورد نیروهای شرکت کننده در این خیزش ها نسبت به یکدیگر را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج- این بسیار طبیعی است که در جنبش وسیعی که هم اکنون در جامعه جریان دارد، بینش ها و مسایل سیاسی و طبقاتی **متفاوت** و **متضادی** مطرح شود. و این نیز عجیب نیست چنانچه هر طبقه و هر جریان سیاسی- اجتماعی بکوشد تا مهر خود را بر این تحولات بزند. با این همه نمونه هایی در خارج و داخل وجود دارد که نشان می دهد **جریانات بورژوازی** می کوشند با استفاده از محملهای غیردموکراتیک، شایعه پراکنی و دامن زدن به جو ضد کمونیستی، نیروهای کمونیست و جریانات چپ را منزوی سازند.

۷- آیا فکر می کنید، جناح های مختلف حکومتی در پی آمد راهکارهای مختلف نیروهای شرکت کننده در خیزش ها، عکس العمل های مختلفی ارائه خواهند داد و یا اینکه همانند گذشته سعی خواهند کرد که به **یکپارچگی نسبی** دست یابند؟ در این میان آیا نیروهای سرکوب گر متصل به جناحهای مختلف حکومتی، به روش های مختلفی دست خواهند زد؟

ج- بدون تردید و هنگامی که مبارزات اجتماعی در روند رشد خود **تمامیت رژیم** را هدف گیرد، آن وقت اغلب جناح ها برای جلوگیری از مرگ محتوم خود دست به عکس العمل هایی متحد خواهند زد. البته در این روند، احتمال بسیاری جابجایی ها و گسست ها وجود دارد.

با سپاس فراوان از همیاری و مشارکت شما و به امید

پیروزی

که با **انقلاب سفید** صورت گرفت، دیگر جایی حتی برای تظاهر به ادامه این **معامله** هم باقی نماند. از اینجا خمینی ناچار شد تکلیف خود را روشن کند. وی در مقابل **سلطنت** موضع گرفت و کوشید نظام سیاسی خاصی را تعریف و به عنوان جایگزین سلطنت عرضه کند که علما در آن فقط از حکومت پشتیبانی نکنند، بلکه خود اصلاً و اساساً حکومت بکنند. این نظام که در برابر سلطنت تعریف می شد نمی توانست نام جمهوری بگیرد چون از دید خمینی «**جمهوری**» همان حکومت جمهور مردم بود و از دید وی به همان اندازه **مردود** به حساب می آمد که استبداد پادشاهی، به همین دلیل **نظام آرمانی** خود را همه جا «**حکومت اسلامی**» نامید.

عبارت «**جمهوری اسلامی**» در ماه های آخر انقلاب جای «**حکومت اسلامی**» را گرفت. این تغییر دو دلیل داشت یکی **سیاسی** و دیگری **لغوی**. عبارت «**حکومت اسلامی**» وجه **ضد سلطنتی** حرکتی را که خمینی ایجاد کرده بود با روشنی کافی بیان نمی نمود و در شرایطی که دیگر تعادل قدرت به نفع خمینی دگرگون گشته بود و مسئله **بیرون راندن شاه** جدی شده بود، مطلب می بایست به روشنی بیان می گشت که همه دریابند. علاوه بر این در دنیای امروز حکومتها یا سلطنتی هستند یا جمهوری، عبارت سومی برای نامیدن شکل بیرونی یک حکومت نداریم. پس هدف شد برقراری جمهوری اسلامی.

کاربرد کلمه «**جمهوری**» برای نامیدن نظام ساخته و پرداخته خمینی در پی این فرآیند و به دلایلی که شمردیم صورت گرفت نه از **عشق آزادیخواهی** و نه به معنای **دمکراتیک** بودن حکومت. اگر وی به دمکراسی محبتی داشت پیشنهاد **بازرگان** را برای برقراری جمهوری دمکراتیک اسلامی می پذیرفت. اولین خصیصه نظامی که وی می خواست بر پا کند ستاندن حق حاکمیت از مردم بود که دیدیم از همان ابتدا انجام شد و در **اصل دوم قانون اساسی** جمهوری اسلامی هم جا گرفت. در این نظام، از روز اول **نظر مردم** ارزشی نداشته مگر در حد **مشورت** چون اصل قدرت و **مشروعیت** قرار است از جای دیگری (که بارگاه الهی باشد) ساطع گردد. تجربه سی ساله گواه این سخن است. این از حکایت جمهوری، برویم سر بخش اسلامی داستان.

کدام اسلامی؟

وقتی تکلیف جمهوری یکسره شد این توهم پیش می آید که لابد بخش دوم کار که مربوط است به **منشأ الهی قدرت** محکم است و وجه اسلامی نظام ساخته و پرداخته خمینی که قرار است

صحبت از «**حکومت اسلامی**» می کرد. در ابتدای انقلاب هم شعار اصلی که اسلامگرایان در دهان مردم انداختند «**استقلال، آزادی، حکومت اسلامی**» بود که **همه گیر** و **کارساز** افتاد. شعاری که رواج و اثربخشی خود را مدیون ابهامش بود.

این ابهام در یک بخش شعار (حکومت اسلامی) متمرکز شده بود ولی از بار مثبت دو کلمه اول که آزادی و استقلال بود، سود می برد در عین اینکه بخش اصلی و در نهایت تعیین کننده شعار بود چون مربوط بود به **نظام سیاسی**.

از این گذشته، ابهام عبارت «**حکومت اسلامی**» آنرا در مکانی در مرز اخلاق و سیاست قرار داده بود. از دید آنهاپی که تصور می کنند **اخلاق برتر** از سیاست است و شرط حیات معقول و آبرومند اجتماعی الزاماً برقراری **نظام سیاسی** درست نیست و سجایای اخلاقی حکومتگران برای این کار کفایت می کند، داشتن بعد اخلاقی حسن شعار مزبور به حساب می آمد. به این ترتیب کمابیش چنین وانمود می شد که حکومت اسلامی از خود نظام سیاسی معینی نیست و در عمل (یعنی به شرطی که حکومتگران به **اخلاق اسلامی** متخلق باشند) در هر نظامی قابل تحقق است و برای **بهبود** وضع مردم اثربخش. اگر به فساد حکومت **آریامهری** توجه کنیم جاذبه شعاری که **پیروی از اخلاق** را در بین حکومتگران نوید می داد بهتر برایمان روشن خواهد شد.

به علاوه، همین ابهام نیمه اخلاقی و آستی پذیری **ظاهری** با هر نوع حکومت، دست حکومت شاه را برای مبارزه با این شعار می بست، بخصوص که نظام آریامهری خودش برای کسب مشروعیت و **امدار مذهب** بود.

این «**محاسن**» را شمردیم ولی نمی باید تصور کرد که **خمینی** با احتساب پیشاپیش تمامی این فواید عملی بود که عبارت «**حکومت اسلامی**» را برگزیده بود. دلیل انتخاب این عبارت که در بعضی چاپ ها تیترا کتاب بود و در چاپ بعد از انقلاب به صورت «**سوتیتر**» روی کتاب ولایت فقیه قرار گرفت، امری **نظری** بود. خمینی تا خرداد ۴۲ از قدرت علما تصویری داشت که در واقع به نظام قدیم کشورداری ایران بازمی گشت (عرضه مشروعیت به سلطنت در عوض حرمت دیدن، بهره وری از قدرت و اجرای به ناچار محدود ولی به هر حال قابل توجه) **قوانین شرعی**. این معامله در حقیقت با **انقلاب مشروطیت** موضوعیت خود را از دست داده بود ولی نظام اتوریتر پهلوی همیشه بدان **تظاهر** می کرد و به نوعی ادامه اش می داد چون به **پشتیبانی روحانیت** محتاج بود. اما بعد از پوست انداختن این نظام

بی سرانجامی به سرعت روشن شد. از قضای روزگار در دوران نخست وزیری همین **موسوی** هم روشن شد که امروز طرفدارانش از **محدودیت ولایت** و حتی انتخابی بودن آن صحبت می کنند. بحث ضبط اموال مردم و تقسیم آنها از سوی حکومت بود که مجلس تصویب کرده بود و دولت می خواست اجرا کند ولی **شورای نگهبان** به اتکای احکام شرعی **مانع** بود. خمینی در اولین مرحله اختیارات شورای نگهبان را **محدود** نمود و در مرحله بعد راه **تغییر قانون اساسی** و در نهایت تأسیس شورای تشخیص **مصلحت نظام** را باز کرد که برتر از مسئله صرف انطباق قوانین با احکام شرع (و احیاناً با قانون اساسی) نظر بدهد و در عمل بخشی از ولایتی را که دیگر مطلقه بود، صاحب شود. همین شورای تشخیص مصلحتی که رئیسش امروز طرفدار محدود کردن و انتخابی کردن ولایت شده است. (شرح مفصل ماقع در کتاب قانون اساسی ایران اصغر شیرازی آمده است).

به این ترتیب بود که ولایتی که قرار بود محدود باشد صورت «**مطلقه**» گرفت. باید توجه داشت که تحول مزبور الزاماً به دلیل **حرص قدرت خمینی** انجام نگرفت (حال هر قدر هم اصرار داشته باشیم تا بر عیوب شخصی او تکیه کنیم). به این دلیل واقع شد که **منطق حکومتگری** جز این نیست و هر کس دیگر هم می خواست به اسم اسلام و با اجرای قوانین اسلامی حکومت کند، حتی اگر پارساترین فرد روی زمین هم می بود، چاره ای جز این نمی داشت.

اما مشکل اسلامی بودن حکومت ساخته خمینی فقط از نبود اسمی **عصمت** و **تصرف رسمی** آن تحت عنوان ولایت مطلقه بر نمی خیزد. اشکال در اینجاست که **ناظران سنتی** بر امر عصمت و کلاً اقتدار مذهبی، یعنی روحانیان در این میان مقهور دولت و از حقوق سنتی خویش **محروم** شده اند. خمینی به ضرب چنگ انداختن به دستگاه دولت بود که در عمل عصمت را صاحب شد نه به رضایت و موافقت روحانیان شیعه و بنیادی نهاد تا جانشینش نیز که قاعداً توسط مجلس خبرگان رهبری تعیین می شود بتواند چنین کند. می بینیم که انتخابات مجلس مزبور هم با این وجود که نامزدی محدود به فقهاست مثل انتخابات مجلس شورای اسلامی و ... با دخالت دولت و تقلب و همان **نظارت استصوابی** انجام می گیرد. البته در این دوره که مردم به دلایل روشن، عنایتی به آخوندها و حفظ حقوق آنها ندارند، کسی به این مسئله چندان توجهی نمی کند ولی باید پذیرفت که در جمهوری اسلامی حق روحانیت نیز همانطور خورده شده که حق

نقطه مقابل **حاکمیت مردم** باشد از خود اسطقسی دارد، بخصوص که طرح و عرضه اش کار ملایی بوده است با سابقه و آخوندها هم در آن همه کاره هستند. ولی درست که واریسی کنیم می بینیم خیر، اصلاً از این خبرها نیست و **ریش و پشم و عمامه** هم دردی را از بی سر و تهی کار دوا نمی کند.

در بین شیعیان تکیه گاه **قدرت مذهبی** به معنای دقیق و درست کلمه غیر از عصمت نمی تواند باشد و در دسر اصلی اینجاست که گروه اخیر در طول تاریخ دراز خود از غیبت امام دوازدهم به این سو، هیچگاه نتوانسته تکلیف **عصمت** را روشن نماید و چند قرن است که **سرگردان** مانده.

نکته در اینجاست که **خمینی** در عمل نه صحبتی از **عصمت ولی فقیه** به میان آورد، نه اصلاً با در نظر گرفتن وضعیت خاص این مفهوم در مذهب شیعه که مدت ها است عاطل مانده و بار تقدسش به طرز بی حسابی بالا رفته، می توانست اقدام به تصرف عصمت بکند. او به جای عصمت صحبت از **ولایت** کرد که قابل استفاده تر می نمود و تازه وقتی به ولایت فقیه رسید با اصرار متذکر شد که ولایت فقها در حد ولایت مطلقه پیامبر و امامان نیست و از اجرای **شریعت الهی** فراتر نمی رود و ایجاد تغییر در آنرا شامل نمی گردد.

این احتیاط خمینی چند دلیل داشت. اول اینکه لابد تصور می کرد احکام الهی **جامع و کامل** است و برای اداره جامعه امروز کافی است پس حاجتی به **تغییر** آنها نیست و همان اجرا کافیت. دوم اینکه به هیچوجه نمی خواست دیگر فقها از قدرت گرفتن او احساس نگرانی بکنند. چون کسی که ولایت مطلق داشته باشد محق خواهد بود تا هر فقیهی را خواست عزل کند. روشن است که باقی **علمای شیعه** تمایلی نداشتند کسی از میان آنها چنین قدرتی را صاحب شود و اگر قرار بود پشتیبانی این گروه برای به زیر کشیدن **شاه** جلب شود می بایست از این بابت خاطرشان جمع می شد. اصرار خمینی بر **محدود بودن ولایت فقیه** حتماً این احتیاط بجا را نیز شامل می شد که نمی خواست در معرض کلاسیک ترین اتهام ارتداد در بین شیعیان که عبارت است از ادعای مهدویت، قرار بگیرد. جالب اینکه در عمل هم عنوان امام گرفت و هم از این اتهام هم جست و هم **شریعتمداری** را از مقام مذهبی اش **خلع** کرد.

خمینی از **ولایت محدود** صحبت می کرد چون قاعداً دلیلی نمی دید تا راهی برای تغییر احکام اسلام در نظر بگیرد و با بحث از ولایت مطلقه خود را به **در دسر** بیاندازد. ولی بستن دست و پای حکومت با احکام شریعت بی سرانجام بود و این

مبارزه پیش برود، باید به آنها هشدار داد که کار انقلاب به نیت نیست به شعار است و به قدرت و اگر شعار مبهم بود به نفع آنکه قدرت بیشتر دارد تفسیر خواهد شد. در انقلاب اسلامی همین خیال **همنشینی جمهوری و اسلامی** یعنی شعار جمهوری اسلامی بود که ایران را به جایی کشاند که امروز شاهدش هستیم و برای نجات از آن به هر تخته پاره ای متوسل می شویم. بعد از گذشت سی سال باز همان شعار بدعاقبت را (این بار در قطعات جداگانه) عرضه کردن و به خیال **تعمیر جمهوری اسلامی** (با لوازم یدکی) به میدان آمدن، حتماً در حکم پیشرفت نیست، بخصوص که سی سال تجربه عملی این حکومت هم پشت سر ماست. البته اگر این **اصلاحگرایانی** که جلو افتاده اند و در چهار گوشه دنیا جلسه می گذارند و خود را نماینده ملت ایران معرفی می کنند چنین چیزی بگویند منطقی است چون **نفعشان** در این است و شعورشان بیش از این نیست ولی اگر آزادیخواهان چنین کنند به هیچوجه از آنها پذیرفته نیست.

باید به کسانی که هنوز در حد این شعار مانده اند تذکر داد یک بار انقلاب اسلامی کردن امری است مایه تأسف ولی دوبار **انقلاب اسلامی کردن**، به قول **اسکار وایلد**، دیگر حمل بر بی مبالاتی خواهد شد. بهتر است کمی به خود بیابند.

در پاسخ هوشنگ معین زاده، برای پیام

دلسوزانه او به خامنه ای

دکتر فریدون راد



خانه از پای بست ویران است
احمد، عباس و هوشنگ در بند
نقش ایوان است

مردم آزاده و بپاخاسته از
جور و ستم آخوند ها، بویژه
جوانان دلیری که برای رهایی
کشور از دست ملایان خونخوار و
یاران خیانتکار آنان تا پای جان ایستاده اند، بخوبی آگاهند که،
گروهی به پشتیبانی خامنه ای و احمدی نژاد و سپاه پاسداران
درآمده، و گروهی دیگر به کوسه مکار، هاشمی رفسنجانی و
یارانش پیوسته اند، و کوشش هر دو دسته بر این است، که از
سقوط کامل رژیم جلوگیری کنند.

در این میان دیده می شود که کسانی که زد و بند هایی
در گوشه و کنار دارند، و درخیال واهی، خود را وجیه المله می

عموم مردم. به عبارت دیگر این حکومت در باب عصمت نیز همانطور **تقلب** می کند که در باب حاکمیت.
این هم از **وجه اسلامی** این حکومت.

جمع اضداد

اگر جمهوری و اسلامی را جدی بگیریم باید بپذیریم که بین آنها **آشتی** ممکن نیست. جمع آمدن این دو در عبارت «جمهوری اسلامی» از ابتدا در حکم **جمع اضداد** بود و هنوز هم هست چون یک نیمه اش به **حاکمیت انسان** راجع است و دیگری به عصمت که الهی است.

می پرسید این آشتی به چه ترتیب است که سی سال است در عمل ممکن شده؟ به ترتیب تقلب. تقلب فقط از **ردالت** اسلامگرایان برنمی خیزد بلکه با ذات جمهوری اسلامی عجین است چون نظام مزبور بدون آن از کار می افتد. حکومت کردن محتاج تصمیم گرفتن است و هر جا پای تصمیم گیری در میان باشد باید مرجعی نهایی بتواند رأیی قاطع و فاصل بدهد. مرجع مزبور یا متکی است به **رأی مردم** و یا به **پشتیبانی الهی**. اگر بخواهد به این هر دو اتکا داشته باشد باید هماهنگی بین این دو بی خدشه باشد. میزان کردن رأی مردم و رأی روحانیان محتاج دستگاهی است که بتواند مداوماً این دو گروه را هم رأی نماید. در این نوع حکومت های توتالیتر تضمین هم رأیی همگانی (یا همان وحدت کلمه معروف) بر عهده **حزب واحد** است. وقتی حزب واحد جمهوری اسلامی (که از قضا باز همین **موسوی** دبیرکلش بود) منحل شد، این زحمت افتاد بر عهده **شورای نگهبان**. نظارت استصوابی درست برای همین است که هم رأی مردم را دستکاری کند و هم رأی ملاها را تا بین آنها اختلاف نیافتد و اسلامگرایان به نام هر دو حکومت کنند و اسم این **شترمرغی سیاسی** را که نه بار می برد و نه پرواز می کند بگذارند جمهوری اسلامی. خلاصه اینکه آشتی بین جمهوری و اسلامی جز با تقلب ممکن نبوده و نیست و اگر بر همنشینی این دو اصرار بورزیم معنای حرفمان خواستاری **تعادل** بین **دمکراسی و اسلام** نیست که از اصل بی معناست، این است که می خواهیم همان تقلبی که سی سال است دوام نظام را تضمین کرده احیا شود و ادامه بیابد. همین و بس.

نتیجه اخلاقی

اگر در این میان برخی تصور می کنند که با هر شعاری به هر نتیجه ای می توان رسید و باید فعلاً از اینجا شروع کرد تا

دست مریزاده، آقای معین زاده، که بفکر **صلاح و مصلحت خامنه ای** و طایفه او هستید؟

«... هم دین و مذهب مردم را بیش از این بی اعتبار نسازید... چرا که هم به **صلاح شما**، هم به مصلحت روحانیت و هم سبب بازگرداندن اعتبار از دست رفته مذهب شیعه خواهد بود.»

یک ضرب المثل فارسی می گوید: هر که بفکر خویش است، کوسه بفکر ریش است.

بنابراین نمی توان از کسی که خانواده خود و همسرش از **آیات اعظام** می باشند، بیش از این انتظاری داشت، متأسفانه بیشتر ایرانیان همواره بفکر **منافع شخصی** خود می باشند، و این همه دلسوزی ها از برای آن است که، از بی اعتباری خانواده هایشان جلوگیری شود.

«آیا دوست دارید مانند **صدام حسین** به خواری و ذلت بیفتید؟ آیا می خواهید فردایی نه چندان دور شما را هم به پای **میز محاکمه** بکشند و به **چوبه دار** بسپارند؟ آیا دوست دارید فرزندان/نتان سرنوشت **فرزندان صدام** را پیدا کنند؟»

البته اگر سرنوشتی دردناک تر از صدام بر سر این جماعت بیاید کم است! آقای معین زاده از خواب بیدار شوید! **مجتبی**، فرزند همین خامنه ای، **فرمان کشتار مردم** را به سپاه و بسیج صادر کرد، و مسئول مستقیم جنایات اخیر هم همین آقا و آقا زاده هایش می باشند. شما چرا **نگران** آقا و آقازاده ها می باشید؟

«و راستی! چرا و به چه دلیلی می خواهید مسئولیت **فساد و تباهی** همه سردمداران نظام را یک تنه بر عهده بگیرید؟ چرا می خواهید بهای همه خون هایی را که در طول سی سال گذشته به زمین ریخته شده به پای شما بنویسند و به گردن شما بگذارند؟ به نظر من این **خردمندی** نیست که شما یک تنه مسئولیت همه بدکرداری های این نظامی را که جز **نکبت و ذلت** حاصلی برای ملت ایران نداشته است، به دوش بگیرید و برای پایداری آن بخواهید خود را به خطر بیندازید. آن هم به خاطر کسانی که **پشت صحنه** نشسته اند و خواب دوران بعد از شما را می بینند.»

پندارند، و با نوشتن چند انشاء، مقاله و کتاب خود را منجی و **وکیل مردم** می دانند، در پی **فرصت طلبی** و **سود جویی** برآمده اند. یکی بنام روزنامه نگار، دیگری بنام مبارز سیاسی، و آن یکی بنام نویسنده، از پراکندن فراخوان بر ضد رژیم تا دادن پیام و توصیه به آخوند های مکار برآمده اند، و آش شله قلمکاری درست شده است.

البته در **جنبش خودجوش** جوانان، و آینده سیاسی ایران، بی هیچ تردیدی، جایی برای این کودکان مو سفید و پرمدها و بیکاره ای که عمری را در بیرون از ایران به **خوش گذرانی** و **مردم فریبی** صرف کرده اند وجود ندارد.

یکی از پیام های بس خنده دار و می توان اذعان کرد بس **شرم آور**، پیام **هوشنگ معین زاده**، به خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی می باشد، معین زاده، خود از سانسورچیان سابق ساواک است. گویا پس از **سفرش به ایران** در دوران **سید محمد خاتمی**، و برقراری حقوق بازنشستگی اش، در خارج به نویسندگی پرداخته است.

این پیام با هزینه **حاج عباس عقبائی فر**، از سهامداران شبنامه کیهان، و به یاری **احمد احرار**، از قلم بمزدان شبنامه، به چاپ رسیده است. پیامی که بوی گند **چاپلوسی**، خضوع و خشوع آن، از هزاران کیلومتر به مشام می رسد. سپس تقدیم این پیام به یکی از عوامل **ساواما**، و همکاران سایت گرداب متعلق به سپاه پاسداران در تورنتو، بنام **حسین کمپانی**، مچ نویسنده را باز کرده است.

هوشنگ معین زاده در نامه خود به خامنه ای می نویسد: «این پیام را برایتان می فرستم، به این امید که شاید این توصیه خیرخواهانه در اتخاذ تصمیم و روشی که در برخورد با مسائل جاری خواهید گرفت، اثرگذار باشد.»

شگفت آور است، که این آقای مبارز خارج از کشور! **مشاور خامنه ای** از آب در می آید، و به ایشان «**توصیه خیرخواهانه**» می کند؟ کسی نیست که نداند، این جماعت آخوند دشمن ایران و ایرانی هستند، باید بجای توصیه «**خیرخواهانه**» مانند دشمن آنان را گمراه کرد، نه این که راهکار به آنان نشان داد.

«اگر چه این پیام توصیه ای بیش نیست، اما شرط بلاغ است. در صورتی که آن را با دقت بخوانید و با تعمق در باره اش فکر کنید، بی شک **صلاح ملک و ملت** و **مصلحت خویش** و طایفه خود را در آن می یابید.»

همه این صغری و کبری چیدن ها برای این بود، که تبلیغ کتابی را بکنید که با تیراژ ۳۰۰ جلدی، روی دستتان مانده و بفروش نرفته است. پول چاپش را که خود نداده اید. دندان طمع را بر کنید و به رایگان به مردم بدهید، و از دغدغه فروش آن رها شوید! به این کار =ها فرصت طلبی می گویند! خون جوانان ما بر زمین جاری است، شما بفکر فروش کتاب هستید؟! جل الخالق از پیران این کشور!

(ح ک) دوست عزیز و گرامی آقای هوشنگ معین زاده کیست؟

چرا آقای هوشنگ معین زاده، با چنین **خضوع و خشوع** و خواری، نامه خود به خامنه ای را، برای ملاحظه حضورا به استحضار (ح ک) مأمور رژیم می رساند؟ و چرا نام اصلی این دوست عزیز و گرامی اش را با رمز می نویسند؟! چه چیزی از مردم ایران پنهان می شود؟ و چرا از **مصلحت رژیم** سخن به میان آورده می شود؟

(ح ک) یکی از **مأمورین رژیم اسلامی** در **کانادا** می باشد، او به دروغ خود را **طرفدار سلطنت** معرفی می کند. نام اصلی این خود فروخته، **حسین کمپانی**، تبریزی و همشهری آقای معین زاده است!

به مدارک زیر توجه بفرمائید، قضاوت با مردم شریف و در بند ایران است.

و با سپاس از هم میهنان آزاده و مبارز، که این مدارک را برایم فرستادند.

به امید آزادی ایران
تیر ماه ۱۳۸۸

آقای خامنه ای صدای مردم را می شنوید؟!
بفرج حال مردم راه سلامت آئین را ترجیح میدهید

From: Houshang Moinezhadeh [mailto:.com]
Sent: 16, July, 2009 7:55 AM
To: Javidiran@peymanmeli.org
Subject: Payami be Khamenei

دوست عزیز و گرامی، ح ک
به مرده فرزان، من بیجایی به آقای خامنه ای به که در گجهان کفن چاپ شده است به اضافه بیوشی در این زمینه را برای
ملاحظه حضورتان ارسال می نمایم
همانطور که انتظار دارید، هشدار و ارائه راه حل در هر میزازه از اینجانبی یکی از تکنیک های ضروری میزازه است. در
پایانی که تهیه شده است سعی فرموده همزمان با هشدارهای مستند و منطقی، راه حل پورتکت از اوضاع کنونی نیز ارائه فرمود. اگر
چه احتمال بکنیم این راه حل از طرف سرمداران رژیم بعدی نظر می رسد، با این حال به نظر اینکه این راه حل به مصلحت آنان
می باشد، ممکن است بخشی از حکمتک را به فکر بنده از و چه بسا به عنوان آخرین راه حل برای آن فرزند
امپراتور با این هشدار به حکمتک بتوان بدون خشونت و خونریزی به منجرای سی ساله پنهان دام و جشن از اینجانبی مردم را به
نتیجه رساند.
با سپاس، هوشنگ معین زاده

Houshang Moinezhadeh
www.moinezhadeh.com

MessageToKhamenehi-
Moinezhadeh.pdf (178 KB)

آیا شما وکالت آقای خامنه ای را در **دادگاه ملی و مردمی** ایران در دست دارید؟ آیا شما به قوانین حقوق جزایی و بین المللی واقف هستید؟ یا مانند برخی از ایرانیان همه فن حریف می باشید؟! چرا برای این **جرثومه های فساد و تباهی** دل می سوزانید؟ شما که گوی چاپلوسی را از سردار فیروزآبادی ربودید. لااقل آن بشکه ۲۰۰ کیلویی رنجنامه اش را برای خود امام زمان نوشت، شما رنجنامه تان را برای سید علی گدا نوشتید! چه **دلسوزی آشکاری** برای یک **دزد و خونخواری** که دستش به خون جوانان دلیر و آزاده این کشور آغشته است!

«بگذارید **روحانیت** به کار خود مشغول شود و **حرمت مذهب مردم** محفوظ بماند ...»

روحانیت؟! حرمت مذهب!؟

این **روحانیت ادعایی** شما کجا هستند آقا؟ که ببینند چه بر سر زنان و مردان این کشور آورده می شود! کدام عریضه و نامه سرگشاده و ته گشاده ای که مردم برای این حضرات، که بهتر است از آنان بنام حشرات! نام برده شود، فرستاده شد و پاسخی در برداشت؟

«**روحانیون و بستگان**شان به قدر کافی در طول سه دهه **ثروت اندوزی** کرده اند و نیازی به افزودن اندوخته های خود ندارند. عقل سلیم حکم می کند که به همان **میزان قناعت** کنند...»

بخشش از کیسه ملت ایران عادت شده است! آقای معین زاده! پیشاپیش اجرای حکم کردن، و بخشیدن اموال دزدی شده از **خزانه ملت** به آخوند ها و طایفه آنان **شرم و حیا** لازم ندارد!

«**هفتاد و چند سال** عمر برای یک **انسان**، عمر درازی است. در این سن و سالهاست که **انسان** به **کمال پختگی** و بی نیازی می رسد...»

شما هم بیش از ایشان سن دارید، و با فرستادن فراخوانهای جاه طلبانه، و نامه های سر و ته گشاده این چنانی، هنوز پخته نشده اید. چه می شود کرد! در پاسخ تنها می شود گفت؛ کل اگر طبیب بودی سر خود دوا نمودی!

«**هشت ماه** پیش، من در آخرین کتاب خود...»

آنفلوآنزای آخوندی



عامل بیماری: ویروس،
نوع سرسفيد و سرسیاه.
میزان خطر: **مسی**
وکشده، ویرانگرتر از حمله
اسکندر و اعراب و مغول.
علائم بیماری: **خفقان**،
سانسور، حبس، شکنجه، اعدام،
سنگسار.

کشور محل ظهور: ایران.
کشورهای آلوده: عراق، لبنان، غزه، سودان، افغانستان،
پاکستان، عربستان، مصر و ...

ریخت شناسی ویروس: معمولاً فربه و پشمالو هستند اما
ریخت کوسه هم در بین آنها وجود دارد.
ساختمان ویروس: این ویروسها اشکال انحطاط یافته
انگلهای داخل سلولی هستند.

ناقل بیماری: عنکبوت پا کوتاه **استبداد**
دوران نهفتگی: این ویروس سالیان متوالی، از ظهور ادیان
تاکنون، می تواند نهفته بماند.

واکسیناسیون، طریق پیشگیری، و پادزهر: **دمکراسی**
تاریخچه: ویروس این بیماری در دوران معاصر اولین بار
توسط **انگلیسی ها** در **انقلاب مشروطه** برای مقابله با آزادیخواهان
فعال شد. بعدها آمریکایی ها برای مقابله با **کمونیسم** از آن
استفاده کردند.

طریق تشخیص: این ویروس با **فریب عموم** در ظاهر با
آنتی ژنهای نوع آمریکایی و انگلیسی جنگ دارد اما در عمل و
پشت پرده با آنها مذاکره و **معامله تجاری** می کند.

طریق فعال شدن: این بیماری در کشورهایی که دچار
بیماری مزمن دیکتاتوری هستند به منظور **اشاعه جهل و عقب**
ماندگی در سلولهای میزبان فعال می شود و همزمان در خلاء
نبود گلبولهای سفید متری و آگاه که به حبس افتاده اند در یک
فرصت شش ماهه به شدت رشد کرده به تدریج کنترل اندامهای
بیمار را به دست می گیرد.

طریق تکثیر: پس از فعال شدن، فرمانده ویروسها خود را
ولی و قیم اندام آلوده شده اعلام کرده، با کمک عامل ژنتیکی
انصار حزب الله اقدام به ایجاد رعب و وحشت می کند. سپس
برای قلع و قمع سلولهای آزادیخواه احکام مرتد سلولی و مفسد

به رفقا و دوستان اعتصاب کننده در برلین، وانکوور و تحصن سه روزه لندن

رفقا و دوستان مبارز! شما در شرایطی اقدام به تحصن
جهت **افشای ترور، خفقان، شکنجه و اعدام** مبارزان در داخل و
برای **آزادی زندانیان سیاسی** از شکنجه گاههای رژیم می
کنید، که مردم ایران جان بر کف، در مبارزه ای سخت و دوران
ساز علیه **رژیم جنایتکار و فاشیست** جمهوری اسلامی وارد
شده اند.

اهمیت اقدام شما تنها در این نیست که سیاست و
عملکرد ضد بشری و جنایتکارانه رژیم اسلامی را افشاء می کند
بلکه از آن بیش و بویژه رساندن **صدای توفنده آزادی خواهان**
ایران به گوش جهانیان و نیروهای مترقی در سطح جهان است.
به هیچ وجه تصادفی نیست که نیروهای مرتجع و وابسته به
جناح های معینی از رژیم اسلامی، درست هم زمان با اعتصاب
شما، با حمایت گسترده رسانه ها و **جریانات سیاسی**
امپریالیستی دست به اعتصاب غذا، تظاهرات و کوشش های
مختلف زده اند تا شرایط جهانی و داخلی را به سود جناح
دیگری از رژیم رقم زنند.

در چنین شرایطی وظیفه هر نیروی انقلابی و آزادی خواه
اعلام **موضع صریح و روشن** در مقابل همه جناح های رژیم و
خواست سرنگونی کلیت آن می باشد.

ما با ابراز همبستگی کامل با اقدام مبارزه جویانه شما
آرزوی رشد و گسترش جنبش کارگران و زحمتکشان ایران تا
سرنگونی کامل رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و **برقراری**
نظامی اجتماعی که آزادی فرد پیش شرط آزادی همه جامعه
باشد!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم!

مونترال ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۹

پروانه قاسمی

جابر کلیبی

سرشار نفتی و گازی به جیب زدند. بخاطر آن حمایتها اکنون این ویروس به شدت به طریق انترگونه ای در دیگر کشورها تکثیر شده و در شرف مسلح شدن به میکروارگانسیم های اتمی است. پادزهر و کشنده ویروس: گلبولهای سفید ستارخانی و

باقرخانی

طریق درمان و ریشه کنی: پیوستن گلبولهای دانشجویی و کارگری و معلمی به گلبولهای ستارخانی و قیام عمومی و جمعی علیه ویروس.

مکانیزم عمل ویروس: بر سه پایه حلقوی زر و زور و تزویر عمل می کند. ابتدا **گلبولهای سفید ضعیف** را به استخدام خود در می آورد. سپس بقیه **گلبولهای مقاوم** را با **خشونت** منکوب می کند. آنگاه عوامل خود را به شکل ضد ویروس جا می زند و شروع به انحراف یا جذب سایر گلبولهای فعال ضد خود می کند به گونه ای که خود سلولها هم در تفکیک گلبولهای ضدویروس از گلبولهای ویروسی گیج شوند. رمز شناخت گلبولهای ویروسی این است که آنها مثل جن از قیام سلولها و ریشه کنی می ترسند. مأموریت این **گلبولهای ویروسی** دو چیز است: اول مخالفت ظاهری با ویروس، و دوم مخالفت واقعی با گلبولهای سفید ستارخانی. گلبولهای ویروسی مدام سایر گلبولها را از ریشه کنی و قیام می ترسانند. ویروس مرتب تبلیغ می کند که اگر ریشه کن شود ویروسی به مراتب بدتر شیوع پیدا خواهد کرد. گلبولهای ویروسی مدام سایر سلولها را به مدارا، مصالحه، عدم خشونت و **پذیرش حاکمیت ویروس** فرا می خوانند. این گلبولها سعی دارند سلولها به روزمرگی و خورد و خوراک سلولی خود مشغول باشند و عفونت ویروس را از یاد ببرند.

اخطار سازمان بهداشت جهانی: اگر ویروسی سوار غشای سلولی خری شد دیگر پایین بیا نیست! یا باید خر بمیرد یا ویروس!

Shahnaz

کوسه و مارمولک

دکتر فریدون راد

در میان طبقه عوام ایرانی، گاهی برای توصیف اندام یا **خصوصیات روحی** کسی، او را با جانوری برابر می کنند. جانوران هر یک دارای خصوصیات هستند، چه نیک و بد، بهر صورت **بیانگر هویت** آن جانور می باشد. از آغاز انقلاب اسلامی، مردم برخی از **متولیان جمهوری اسلامی** را، رمز گونه با نام جانوری **همسان** کردند. و این انتخاب ها بس هوشیارانه انجام می شود.

فی اندام را ابداع کرده پس از بستن گلبولهای روزنامه ای و سرکوب ژنها یا حزب و سازمانها و تشکلهای مقاوم، از گله حقوق بگیران خود امت در صحنه بوجود می آورد.

خصوصیات آنتی ژنی ویروس: پس از کنترل اندامهای حیاتی بیمار، ویروس از یک طرف برای تداوم بقای خود اقدام به نظارت دائمی بر کلیه امورات سلولها می کند و هرگونه ژنهای مقاوم را به جرم محاربه با ویروس یا **اقدام به براندازی** ویروس نابود می کند. سپس ویروس ولی یا قیم برای فریب سلولها هر چهار سال یک بار از میان **ویروسهای مورد اعتماد** خود چند تایی را مأمور کرده تا در دادن وعده و وعیدهای خرننگ کن به سلولها با یکدیگر رقابت کنند. گماشته ای که در گول زدن سلولها رای بیشتری آورد به عنوان رئیس سلولها منصوب می شود.

از طرف دیگر ویروس می کوشد بیماری خود را به بقیه **جهان** صادر کند. به این منظور دست به **سازماندهی و کمک مالی** به ویروسها در دیگر نقاط جهان می کند تا برای خود سپر ایمنی درست کند. علاوه بر آن از همان ابتدای فعال شدن، اقدام به **گروگانگیری دیپلمات** یا سلولهای خارجی از نوع رکسانا می کند تا بر سر آنها با اندامهای فرنگی بر سر ویروسهای اسیر خود معامله و اخاذی کند.

این ویروس در اندامهای فرنگی ارگانسیمهای بیشمار رسانه ای بوجود آورده و در **کنترل افکار سلولهای مهاجر** کوشا است. ویروس می کوشد جو ناامیدی و بی تفاوتی میان سلولهای تبعیدی بوجود آورد و آنها را از عفونت بیماری منحرف کرده و به کسب و کار و زندگی خویش مشغول سازد. این ویروس سلولهای ماده را نصف سلولهای نر به حساب می آورد.

کد ژنتیکی کروموزوم ویروس: اطلاعات ژنتیکی لازم جهت تکثیر ویروسها را رمز گذاری می کند که عبارت است از: **بین سلولها تفرقه انداز و حکومت کن!**

طریق کنترل بیماری: مسکن ندارد. التیام پذیر و **اصلاح پذیر نیست.**

انواع ویروس: یاخته های اجنبی به منظور پیشبرد سیاست زد و بند و مماشات، این ویروس را به دو نوع آ: **میان رو** و ب: **تندرو**، و یا **خندان** و **احمو** تقسیم بندی کرده اند. اوایل ویروس نوع ب را **ویروس بنیادگرا** می نامیدند. سپس نظرشان عوض شد و آن را ویروس اصولگرا یا محافظه کار نامیدند. درمقابل، ویروس نوع آ را **ویروس اصلاح طلب** نامیدند. در سال ۱۳۷۶ که این ویروس پس از دادگاه میکونوس در شرف مرگ بود، یاخته های فرنگی تحت پوشش حمایت از ویروس نوع آ. یا خندان، **منافع**

- می تواند دم خود را در هنگام خطر بیاندازد، تا از دست دشمن فرار کند.
- قادر به ترمیم و بازسازی دم و پا خود می باشد.
- به رنگ محیط پیرامون خود در می آید.
- چشمهایش می تواند در زاویه ۳۶۰ درجه بچرخد، و همه جا را ببیند.

پرچم ما رنگ سرخ را دارد

پرچم سبزشان نشان از خمینی، احمدی نژاد، گنجی و موسوی را دارد

پرچم سبزشان نشان از جمهوری اسلامی شان را دارد

پرچم سبزشان چهره چند دهه جنایت و کشتار را دارد

پشتیبانی آمریکائی و اروپایی شان بوی انقلاب دست ساز سبز مخملی را دارد

حمایت هایشان بوی خفه کردن مبارزات مردم ایران را دارد

حمایتشان از مبارزات مردم این دیار نیست بلکه نشان از پایمال کردن آن را دارد

ما را باکی نیست، زیرا مبارزه ما راهی دراز را دارد

ما را باکی نیست، زیرا پرچم ما رنگ سرخ را دارد

پروانه قاسمی ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۹

فیگارو: ایران، پایان افسانه

حکومت مذهبی

روزنامه فرانسوی فیگارو ایران، پایان افسانه حکومت مذهبی نوشته مزری حداد، دکتر در فلسفه اخلاق از سوربن پاریس، نویسنده، روزنامه نگار و فیلسوف تونسی.

برگردان از فرامرز دادرس

برپایی رژیم مذهبی در سال ۱۹۷۹ در ایران، موجب تقویت جنبش های اسلامی در سراسر جهان، بویژه جهان عرب شد. فروپاشی این رژیم مکتبی، تنش ها را در بخش های زیر نفوذ آن، و در جهان کاهش خواهد داد، و پشت سر خود موجی از خرابی و تأسف بر جای خواهد گذاشت.

در یک فرضیه، هنگامی که داده ها اشتباه باشد، بی شک نتیجه نادرست بدست خواهد آمد. زمانی که بنظر می آمد رژیم ایران به عنوان یک دموکراسی کامل اسلامی و قابل احترام جا

آیت الله منتظری را « گریه نره»، آیت الله بهشتی را «روباه مکار»، آیت الله موسوی اردبیلی را « خرس ... سوراخ»، آیت الله مصباح یزدی را « تمساح» محمود احمدی نژاد را «عنتر»، و آیت الله هاشمی رفسنجانی را « کوسه» نامیدند. و بطور کلی به آخوند ها و دیگر متولیان ادیان، مارمولک نیز گفته می شود!

شگفت انگیز آن است که، گاهی خصوصیات اندام و روحیات شخص، شباهت زیادی با خصوصیات جانوری دارد که او را با آن برابر می دانند. برای نمونه هاشمی رفسنجانی بدلیل چهره بی ریش وپشم اش « کوسه»، و بدلیل آخوند بودن او «مارمولک» نامیده می شود. او تنها کسی است که میان سرکردگان رژیم اسلامی این امتیاز را دارد که از ویژگی های دو جانور « کوسه و مارمولک» بهره مند شده است! و اگر نیک بنگریم، این ویژگی ها را بخوبی می توان در او مشاهده کرد.

کوسه، خطرناک و درنده!

گونه ای از ماهیان خطرناک و درنده است که برخی از گونه های آن در خلیج فارس و رود کارون بسر می برند. کوسه که بدنی دراز و استوانه ای و فربه و سنگین دارد. حیوانی است چابک و نیرومند و درنده و گوشتخوار، و درازای برخی گونه هایش ممکن است تا ۱۳ متر برسد. کوسه یکی از نادرترین شکارچیان روی زمین است.

انواع کوسه ها بشرح زیر است.

- شش کمانیان
- خاردار کوسه
- اره کوسه
- فرشته کوسه
- شاخدار کوسه
- فرش کوسه
- زمین کوسه
- خال مخال کوسه

مارمولک

مارمولک بیش از پنج هزار گونه دارد!، طول مارمولک از چند سانتیمتر تا سه متر می رسد. مارمولک جانوری است که دارای ویژگی زیر می باشد.

- هم آبری است و هم خشکزی.
- هم گیاهخوار است و هم گوشتخوار.
- حس بویایی بی نظیری دارد.

تهران براه افتادند و شعارهای « مرگ بر خامنه ای » سر دادند. به فرمان رهبر « بسیجیان » به جان تظاهرکنندگان افتادند. ترسی بی سابقه که نتایج سنگینی در برداشت. عدم اطاعت و فرمانبرداری مردم از روحانیت شیعه، ولایت فقیه را خشمگین و تقدس او زیر سؤال برده است، و این نشانه نگرانی برای گروه روحانیونی است که در پناه سرکوب و ترساندن مردم، این واکنش ها را توطئه خارجی می خوانند.

هرچه که پیش آید رقابت میان دو کاندیدای ریاست جمهوری است: میرحسین موسوی، کسی که گفته می شود «پیشرفت خواه» و «اصلاح طلب» است، و خود محصول انقلاب مذهبی می باشد، و مدت هشت سال نخست وزیر خمینی و خامنه ای رهبر کنونی بوده است، و از سوی دیگر محمود احمدی نژاد، «هاله نور» که با تهدیدات اتمی و بهره برداری از اوضاع نابسامان عراق، بنیادگرایی و شوک تمدن ها را محور اصلی سیاست خارجی اش قرار داده است.

این درگیری میان گروهی، چیزی نیست جز بهانه، برای مردمی که تصمیم دارند به آزادی برسند، و حکومتی که بخوبی می داند که کمترین بازگشایی، فروپاشی بنای دیکتاتوری را در پی خواهد داشت. «اصلاح طلبان» در رأس خود رفسنجانی را دارند، که کوششی ندارد رژیم را که به آن وابسته است سرنگون کند. برعکس او در پی چاره ای است که بقای رژیم را با دگرگونی سیاسی، در راستای ادامه همان ایدئولوژی تضمین کند، و چهره بهتری از رژیم نشان دهد، که در پی زیاده روی ها و سخنان موعظه وار احمدی نژاد اعتبار خود را از دست داده است. روابط بحرانی میان جامعه ایران و قدرت مذهبی بیشتر خواهد شد، تا زمانی که از حد آن بگذرد و رژیم سرنگون گردد.

ایرانیان در یافته اند که یک حکومت مذهبی به هیچ روی اصلاح پذیر نیست، و به زباله دانی تاریخ خواهد افتاد. آنها همینطور می دانند برای آزادی، بهایی سخت باید پرداخت، و در این مبارزه سرنوشت ساز پشتیبانی جهان آزاد بسیار با ارزش خواهد بود.

همینطور که برپایی رژیم مذهبی در سال ۱۹۷۹ در ایران، موجب تقویت جنبش های اسلامی در سراسر جهان، بویژه جهان عرب شد، فروپاشی این رژیم مکتبی، تنش ها را در بخشهای زیر نفوذ آن، و در جهان کاهش خواهد داد، و پشت سر خود موجی از خرابی و تأسف بر جای خواهد گذاشت.

تارنمای فرهنگ ایران

۲ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۹

افتاده است، بحران شدیدی کشور را لرزاند. بحرانی که طبیعی نیست ولی استثنایی است.

در ژرفنای این بحران سیاسی، ایدئولوژی نقشی ندارد. رخدادهای خونین ایران را نمی توان رد یک سیستم مذهبی دانست، ولی به روشنی عدم کارآیی آن در جریان انتخابات به ظاهر دموکراسی دیده شد.

دو کاندیدای ریاست جمهوری، میرحسین موسوی «اصلاح طلب»، و احمدی نژاد «بنیادگرا» یک مبارزه دموکراتیک انجام می دهند، که یک صحنه عادی در زندگی سیاسی ایران بشمار می رود.

این عادی سازی در یک رژیم واپسگرا و مطلق گرایی رخ می دهد، که بیش از هرچیز در پی تثبیت خود می باشد. باید در برابر این عادی سازی هرج و مرج، بظاهر دموکراتیک ایستادگی کرد. بدتر از آن دیکتاتوری «عادی و روزمره» رژیم ایران است، که در رگ هایش مذهب، و در سیاست ها یش تمامیت خواهی در جریان می باشد.

از آغاز بدست گرفتن قدرت از سوی خمینی در سال ۱۹۷۹، و بر پایی رژیم مذهبی و ولایت فقیه «حکومت رهبر عظیم الشأن» یک دکترین سیاسی - مکتبی بنیان گذاری شده است. مخلوطی بهم آمیخته از حق دخالت در زندگی خصوصی و اجتماعی مردم، بر پایه فقه غیرقابل تحمل و واپسگرایی شیعه دوازده امامی، و ظهور امام غایب شکل گرفته است.

در این تمامیت خواهی سبز رنگ، قدرت مذهبی و سیاسی مطلق، از آن متولیان دین است، که نمایندگان خدا بر روی زمین می باشند. مانند رهبر عظیم الشأن که تقدس اش بی هیچ شک و تردید است.

ایرانیان از بد حادثه به زیر شلاق مذهب افتادند، و امروز در حال مبارزه بر علیه، سلسله روحانیون مورد نفرت مردم می باشند. در این جامعه دیگر باور به «مدینه فاضله» از میان رفته است.

بتازگی سرنگون کنندگان شاه با بهره گیری از ابزار نوین تکنولوژی و ارتباطات، در نظر دارند که قرن ها فاصله ای میان دنیای واقعی و جدید قرن بیست و یکم را، با دنیای تخیلی اورول (مزرعه حیوانات) حفظ نمایند.

شجاعت تظاهرکنندگان ملایان را نگران، و فصلی تازه در تاریخ این ملت باز کرد. این جنبش فراتر از یک انفجار اجتماعی بود که بخاطر یک تقلب انتخاباتی پدید آمده باشد، و مانند تیغ دولبه عمیقی است، که به بریدن خود ادامه خواهد داد. در برابر این واماندگی سیاسی و از دست رفتن تقدس رژیم، مردم در

دمکراسی همان سکولاریسم است

کوروش اعتمادی

koroush_etemadi@hotmail.com

جمهوری اسلامی بمثابة **حکومتی الهی** برگرفته شده از فقه شیعه، تحت رهبریت **ولایت مطلقه فقیه**، واسطه خدا با مردم اما پاسخگو و مسئول در برابر خدا نه مردم، نه تنها **تهدیدی جدی** علیه مدنیت و حق شهروندی در کشور ما است بلکه این حاکمیت با پیشبرد سیاستی آتش افروزانه در منطقه، حمایت معنوی و مادی از **تروریسم اسلامی** و پیشبرد پروژه تولید سلاحهای کشتار جمعی خاورمیانه را وارد فازی از **بحران** اما بسیار مهلک کرده است. از سویی دیگر می دانیم تاریخ تشیع در ایران تاریخ جداسری، تشتت و مرجعیت تقلید از اصول پایه ای فقه شیعه است. با یک بازنگری گذرا به گذشته در خواهیم یافت تاریخ اسلام شیعه در ایران تاریخ **کشمکش مراجع تقلید** با یکدیگر برای دست یافتن به بالاترین نقطه هرم قدرت سیاسی و دینی بوده و این رقابت غیر مدنی همیشه **عامل بحران** و مانعی بزرگ در مقابل یگانه شدن مردم با یکدیگر بوده است. و امروز هم به آشکار مشاهده می کنیم که چگونه **نزاع بر سر قدرت** در بین ملایان طراز اول حکومت جامعه را به سوی یک **اغتشاش سیاسی**، بی قانونی و هرج و مرج سوق داده است. در یک کلام اسلام شیعه مترادف با پراکندگی و **اضمحلال اجتماعی** و **سیاسی** ایران است.

اما آنچه که در شرایط سیاسی و اجتماعی کنونی کشورمان، ما را وا می دارد تا بیشتر در خصوص آن با مردم سخن بگوییم مسئله جایگاه و قلمرو دخالت دین در عرصه سیاست و جامعه است. همه ما وظیفه داریم خیلی صریح و روشن رابطه نهاد دین با حکومت، فرهنگ، آموزش و پرورش، خانواده و روابط زندگی جمعی مردم را توضیح دهیم. این وظیفه ای است اخلاقی و اجتماعی که تا به امروز کمتر به آن پرداختیم.

شکی نیست **دمکراسی** و تحقق همه اصول **آزاداندیشی** تدبیری است منطقی و انسانی جهت برون رفت از بن بست سیاسی کنونی. سه دهه **حاکمیت دین و روحانیون** بر ایران چیزی جز انبوهی از مفاسد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای جامعه شهروندی ایرانی ره آورد دیگری بهمراه نداشته است. بی شک این **نتایج تخریبگرانه اجتماعی** صرفاً مختص به رژیم اسلامی در ایران نبوده است، بلکه پیشتر دیگر جوامع بشری که تحت حاکمیت دولتهای ایدئولوژی گرا اداره می شده اند و می شوند مصون از این آسیب های اجتماعی نبوده. از همین رو

بسیاری از متخصصین امور جامعه شناسی متفقاً بر این باور هستند که جهت گذر و یا پیشگیری از فشارها و سرکوبهای سیاسی و اجتماعی حکومتهای ایدئولوژیگرا و دینی، ضروری است که دمکراسی و باور به **کثرت گرایی** در جامعه متحقق و قانونمند شوند. اما تحقق یک دمکراسی مدرن و پیشرفته بدون پذیرش اصل جدائی دین از حکومت ناممکن است. دخالت دین در امور سیاسی و دولتمداری عاملی است قطعی در برقراری یک نظام **آپارتاید مذهبی** که دیگر گروههای اجتماعی که هیچ احساس تعلقی به دین و ایدئولوژی دولتی ندارند، **شهروند درجه دوم** محسوب شده و بیرحمانه مورد تعدی و فشار قرار می گیرند. نمونه بارز این نوع نظامهای سیاسی ایدئولوژیگرا و مذهبی همین جمهوری اسلامی در کشور خودمان است که با اصل پذیرش اسلام **شیعه** بعنوان **دین رسمی دولتی** بمدت سه دهه غیر انسانی ترین تبعیض های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را علیه شهروندان غیر مسلمان، سکولار و لائیک اعمال کرده است. تجربه سه دهه **سرکوب، کشتار و اختناق** از سوی حاکمان رژیم اسلامی علیه شهروندان غیرمسلمان ایرانی که غیر خودی محسوب شده اند یک تدبیر را پیش روی ما که به اصل آزادی معتقد هستیم می گذارد، آن اینکه دین را از حوزه سیاست و روابط اجتماعی مردم جدا کرده و به درون مراکز خصوصی اش برانیم.

روشن است در یک جامعه مدرن و سکولار همه ادیان همانند دیگر **اندیشه های سیاسی آزاد** و در برابر قانون از **حقوق یکسان** برخوردار می باشند. اما آنچه که قانونمندیهای یک دمکراسی مدرن و پیشرفته بر آن تأکید می ورزد این است که در ایرانی آزاد و دمکراتیک همهء ادیان آزاد هستند در حریم خصوصی خود فعالیت کنند، اما هیچ دینی اجازه نخواهد داشت سیطره نفوذ خود را در عرصه های سیاست، فرهنگ و روابط اجتماعی مردم بسط و گسترش دهد. دین اگر از حوزه خصوصی خارج شود و مداخله گر در امور سیاسی، فرهنگی و روابط اجتماعی مردم گردد تبدیل به **ابزار سرکوب و خشونت** علیه جامعه خواهد شد. در همین رابطه لازم است تأکید شود پذیرش اصل جدائی دین از حکومت به معنای دشمنی با دین و دین باوران نیست، اما فرا گرفته ایم برای رسیدن به یک **جامعه آزاد و دمکراتیک** ناچاریم به بنیادهای دینی اجازه دخالت در امور دولتمداری و دنیوی را ندهیم. روش برخورد ما با دین در امور سیاسی همان روش برخورد شهروندان جوامع مدرن امروزی می بایست باشد که دین را از مداخله در امور سیاسی و همه مظاهر و بنیادهای زندگی جمعی مردم منع کرده اند. می بایست به قرنهای

در زندانها بیوسند، اموالشان مصادره شود، و در آخر با تظاهر به مسلمانی، دست و پای روحانیون و علمای اسلام و حکام سیاسی را ببوسند.

خوناش تاریخ دردناک، خونین و دهشت‌آور اسلام در ایران در ۱۴ قرن گذشته، دل هر خواننده‌ای را مچاله می‌کند. **خیزش‌های ایرانیان** در برابر دین و **حکومت‌های تحمیلی**، در آغاز پیشتازانی همچون **بابک خرم‌دین** داشت که با روش و منش و آئین ایرانی در برابر دستگاه خلافت اسلامی و متولیان‌اش پایداری کردند. اما پس از شکست جنبش‌های ملی و دو قرن سکوت و دهان‌بندان اسلامی، خیزشهای تازه‌ای رخ داد که اینبار با **بیرق سبز اسلام و بانگ الله اکبر** در برابر بیگانگان به پایداری پرداختند. اما فرایند همه این خیزشها تعمیق یافتن اسلام و تداوم فرهنگ بیابانی و تحمیل شده بر ایرانیان بود. از جنبش **اسماعیلیه** به رهبری **حسن صباح** گرفته تا جنبش گسترده صوفیگری و عرفانی‌گری - که شکل‌هایی از **مقاومت مدنی** بودند - از جنبش باب و جنبش مشروطیت گرفته تا جنبش «اصلاح طلبان»، همه و همه موجب تقویت **مرتجعان مسلمان** در حکومت‌ها، دولت‌ها یا نهادهای دینی گردید. هر گونه **خام‌اندیشی** برای استفاده از اسلام به نیت تلطیف آن، روزآمد کردن یا مقابله با آن، موجب بقاء و تحکیم هرچه بیشتر روحانیان، «علمای» اسلام و حکومت‌های مبتلا به دین گردید. تاریخ ایران به روشنی نشان می‌دهد که هرگونه «مسامحه» با نمایندگان دین‌سالاری، نتیجه‌ای جز تداوم و تحکیم فرهنگ و سیاست جاهلی در کشورمان نداشته است. **تمدن ایرانی** زیر عبای آخوندی و ندای الله اکبر بتدریج کم‌جان‌تر و بی‌رنگ‌تر شد.

امیدوارم خواننده این نوشته، سخنان مرا ستیز با باورهای دینی دین باوران تعبیر نکند. موضوع بر سر جداکردن دین از حکومت است و دست برداشتن از این ایده که: برای **نفی حکومت دینی**، باید نخست از پرچم دین و شعارهای دینی بهره بگیریم. پیداست که داشتن هر دین و مذهبی یا نداشتن آن، امری وجدانی و شخصی است. موضوع برسر تفکیک دین از حکومت، و اداره جامعه به **دور از فرامین دینی** است.

اکنون، در قرن بیست و یکم، و در جهانی بکلی متفاوت با جهان ۱۴۰۰ سال پیش، آنانی که **رنگ سبز اسلام** و شعار الله اکبر را برای برونرفت از مرداب استبداد دینی و سیاسی برگزیده‌اند، ای بسا یکبار دیگر در این **مرداب استبداد دینی** فروتر روند و میهن ما را در تار و پود واپسماندگی قرونی، گرفتارتر کنند. چرا باید «**رهبری سیاسی**» ایرانیان میان مثنی آخوند

آسیب‌های سخت اجتماعی که از سوی دین بویژه اسلام شیعه بر جامعه شهروندی ایران تحمیل شده پایان داد و تدبیر رهایی از این مخمصه مهلک همان بنای حکومتی سکولار و دموکراتیک در ایران می‌باشد؛ حکومتی با پذیرش **اصل جدائی کامل دین** از حوزه **سیاست**، فرهنگ، آموزش و پرورش، خانواده، اقتصاد و همه روابط اجتماعی که در برگزیده زندگی جمعی در کشور ما است.

دمکراسی همان **سکولاریسم** است و سکولاریسم همان دمکراسی است. این دو اصل سیاسی هرگز از یکدیگر جدا نبوده و در واقع تکمیل‌کننده یکدیگر می‌باشند. نمی‌شود مدعی دمکراسی خواهی بود اما در خصوص نقش و دخالت دین در امور مملکتداری و زندگی جمعی سفسطه کرد و برای توجیه **واقعیت‌های دردناک** این مداخله‌گری به ده‌ها تئوری بی‌پایه و اساس متوسل شد. دین در سیاست عامل سرکوب، اعدام، ترور، شکنجه و تبعیض علیه جامعه است. زبان امروز انسانهای پیشرو زبان راستگوئی و صراحت کلام است. دوگانه گویی و سکوت بی‌مسئولانه در خصوص رابطه دین و دین باوران با حوزه سیاست، فرهنگ، آموزش ... هرگز قابل پذیرش نیست. انسان مدرن و **آزاداندیش** انسانی است راستگو و صادق و هرگز در لفافه هم سخن نمی‌گوید. حال پرسش این است که شما چگونه در خصوص مفاهیم دمکراسی و سکولاریسم می‌اندیشید؟ آیا اساساً سنخیتی را بین نهاد دین و جامعه سیاسی مشاهده می‌کنید که بشود با آشتی آنها با یکدیگر به دمکراسی نوین و پیشرفته‌ای دست بیابیم؟

۲۶ جولای ۲۰۰۹ - استهکلم

از چاه به چاله، از چاله به چاه

میرزاآقا عسگری.مانی

در چهارده سده گذشته، هرگاه ایرانیان کوشیدند زیر عبای و با **پرچم سبز اسلام**، خود را از شر **اسلام سالاری** و حکومت‌های آمیخته با دین، یا وابسته به مرکز خلافت اسلامی برهانند، بیش از پیش در **مرداب دین** تحمیلی و ضد ایرانی فروتر رفتند. ایرانیانی که هرگز به **معنای واقعی** کلمه اسلام را نپذیرفته بودند، ناگزیر بودند زیر ضربات شمشیر ذوالفقار اعراب، زیر فریادهای الله اکبر، و یا زیر فشار جزیه و ذمه و باج به اعراب و نمایندگان‌شان در ایران، در برابر **تازیان** و ولایت اسلامی آنان زانو بزنند، شکنجه شوند، تظاهر به مسلمانی کنند، جزیه و خمس و ذکات بدهند، تعزیر شوند، تکفیر و سنگسار شوند، شلاق بخورند، اعدام شوند،

پیشنهاد می‌کنند باید اسلام شلاق بدست را ناز و نوازش کرد مبادا توده‌ها دلخور شوند! آیا براستی چنین است؟
زمانه تغییر کرده است، شکل‌های مبارزاتی تغییر کرده‌اند، اندیشه‌های دینی و سیاسی دگرگون شده‌اند، ابزار ارتباطی تغییر کرده‌اند، جهان تغییر کرده است، پس چرا ما باید همچنان با **پرچم اسلام** و الله اکبرش در گرهی کور دربنامیم؟ مگر نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی در ایران، برسر آنانی که سبز می‌پوشند و فریاد الله اکبر برمی‌دارند، **شلاق و گلوله و باتوم** نمی‌زنند؟

مگر **بسیجیان** و **پاسداران اسلام**، به دختران و پسران سبزپوش و الله اکبرگو تجاوز جنسی نمی‌کنند؟ اگر چنین است، پس دیگر چرا باید پرچم اسلام را برداریم و فریاد بیابانی الله اکبر سردهیم؟! مگر نمی‌دانیم که لشگریان اسلام به فرماندهی عمرابن خطاب، علی ابن ابی طالب، سعدابن ابی وقاص، یزیدابن مہلب و... با همین شعار «الله اکبر» و با بیرق سبز اسلام، ایران و ایرانیان را درهم شکستند و به اسارتی ۱۴ قرنه بردند؟!

مگر نمی‌بینیم تروریسم بین‌المللی در تمام جهان با همین رنگ سبز و همین شعار الله اکبر سر می‌برد، ترور می‌کند، منفجر می‌کند، جنایت می‌کند؟ آیا نباید فرقی باشد در شعارها و رنگ‌های یک **خیزش مدنی**، **مدرن** و **آزادخواه** با شعارها و رنگ‌های گروه‌های تروریستی عرب، القاعده، لبنانی، فلسطینی، طالبانی، پاکستانی و الجزایری؟

آیا نباید تفاوتی باشد در محتوا، شکل عمل، گزینش رنگ و شعار در یک انقلاب بزرگ عدالتخواهانه و دموکراتیک با جنبش‌های کور دینی و تروریستی؟ اگر چنین است، چگونه باید این تفاوت را نشان داد؟ چگونه باید نشان دهیم که ایرانی هستیم، آزادخواه هستیم، **دموکراسی** و **سکولاریسم** را می‌خواهیم، همزیستی مسالمت‌آمیز و برابرحقوق با بخش متمدن جهان را می‌جوئیم؟

چگونه باید نشان دهیم که می‌خواهیم از گندابی ۱۴۰۰ ساله که دهها نسل از نیاکان ما را تباه ساخته، و ایران بزرگ را به زندان دین و خرافات تبدیل کرده است بیرون آئیم؟ با شعار «یا حسین یا حسین، میرحسین میرحسین»؟! با فریاد گوشخراش الله اکبر؟! با رنگ سبز؟!

آیا با این شعارها، یکبار دیگر در **مرداب تازه ای** از حکومت دینی فرو نخواهیم رفت؟

مانند خمینی، خامنه‌ای، رفسنجانی و کروی دست به دست شود؟! چرا باید سرنوشت سیاسی و فرهنگی ایرانیان در دست **مشتی مرتجع** یا **آدمکش** مانند احمدی نژاد، موسوی، لاریجانی و خاتمی جابجا شود؟ چرا باید ملتی بزرگ، رهبرانی چنین کوچک، جانی و خونخوار برای خود برگزینند؟

آیا ایرانیان فاقد توان برای رهبری خویش‌اند؟ بی‌گمان چنین نیست. پرشمارند ایرانیانی که خواهان گذر از **تمامیت حکومت اسلامی** اند، و کم‌شمار نیستند ایرانیانی که صلاحیت تام و تمام برای اداره میهن خود را دارند. با این همه، برخی جریان‌ها در ایران می‌کوشند خیزش اخیر مردم ایران را در حوزه اسلام‌مداری و حکومت دستاربندهان نگهدارند تا از عبور کشور ما به **سکولاریسم** جلوگیری کنند.

حتی اگر **تاریخ ایران و اسلام** را شتابزده ورق بزنیم در خواهیم یافت که بخشی از نیاکان ما از دست جماعت روحانی و سینه چاکان دروغ «امام زمان» چه کشیده‌اند، و چقدر تاوان داده‌اند تا بلکه از **آمیختگی دین با سیاست** و حکومت جلوگیری کنند. اگر به علت اوضاع تاریخی در قرون وسطا، نیاکان ما نتوانستند از اسلامیت حکومتها رد شوند، آیا نسل نوین و هوشمند ایرانی در قرن بیست و یکم خواهد توانست به حکومتی سکولار و لائیک و امروزی دست یابد؟ یا همچنان با **موج سبز و الله اکبر** در گنداب گذشته فروتر خواهد رفت؟ آیا خیزش امروز ایرانیان می‌تواند در ساده‌ترین شکل، به جنبش خود، رنگ و محتوای ایرانی و مدرن بدهد؟ یا بازم با فروانداختن **مشتی مستبد دینی**، **مشتی دین‌باور** و **مستبد دیگر** را بر خود چیره خواهد کرد؟

برخی می‌پندارند که با بهره‌گیری از سمبولها و شعارهای اسلامی می‌توان نخست از شر بخشی از این حکومت رها شد، آنگاه کلک بخش دیگر را هم کند و به تمدن و مدرنیته رسید. بخشی می‌پندارند با کنار گذاشتن بخش «بدتر» حکومت اسلامی، بخش «بد» آن را تقویت کرده و تدریجاً در آن **تغییرات مثبتی** ایجاد خواهند کرد. برخی دیگر می‌پندارند، راه حل دیگری، مگر تغییر در درون همین حکومت ضدبشری برای پشت سر نهادن ولایت مطلقه اسلامی وجود ندارد.

گروهی که بیشترشان آشکار و پنهان، دست در دست حکومت اسلامی در ایران گذاشته‌اند، این داعیه‌ی مضحک را دارند که باید به «**اعتقادات توده‌ها**» احترام گذاشت! و البته منظورشان، همانا رعایت «**حرمت و قدرت**» اسلام فقاهتی و حکومتی، و مجموعه خرافات و باورهای ضد علمی است. آنان

سه شنبه، ۲۳ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۹

خبرها

سه شنبه، ۲۳ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۹

اعدامهای امروز؛ انفجار خشم هموطنان بلوچ

اقدام جنایتکارانه امروز رژیم جمهوری اسلامی در زندان زاهدان خشم و نفرت ایرانیان بویژه هموطنان بلوچ را برانگیخته است. یکی از خوانندگان در ایمیلی که برای سایت ارسال شده نوشت، آتش بلوچستان شعله و تر خواهد شد!

این هموطن بلوچ نوشت، مزدوران رژیم منفورو ددمنش حاکم بر ایران، چهره ضد انسانی خویش را بیش از پیش آشکار ساخته و ۱۳ بلوچ بیگناه را صبح امروز سه شنبه ۱۴ جولای، در زندان مرکزی زاهدان اعدام کردند. این سند ننگین دیگری بر جنایات نسل کشی آخوند خامنه ای خون آشام برعلیه مردم آزاده بلوچ می باشد که با ریختن خون هزاران جوان بلوچ طی سالهای اخیر، سیر نشده و همچنان از مزدوران خویش در بلوچستان، خون جوان بلوچ می طلبد. این سفاکان ضد بلوچ، بلوچستان و بخصوص زاهدان را به جهنمی برای بلوچها مبدل ساخته و هر لحظه که ولی فقیهشان احساس تشنگی کند، به خیابان می ریزند و تعدادی جوان بلوچ را دستگیر کرده و با برچسب های از پیش تهیه شده، اعدام میکنند. جرم بلوچها اینست که مذهب دیگری دارند، زبانشان با حکام یکی نیست، فرهنگ و آداب و سنن خاص خویش را داشته و بلوچستان سرزمینشان است. بلوچها در سی سال حاکمیت ننگین آخوندها بر ایران، بدترین مصیبتها را متحمل گشته و سالهای رئیس جمهوری احمدی نژاد، از بدترینشان بوده است. هزاران بلوچ توسط تفنگ بدستان رژیم حاکم به اسارت درآمده و شدیداً شکنجه می شوند. دسته دسته به زندانهای استانهای دیگر منتقل شده و مظلومانه حلق آویز می شوند. تمامی این قساوتها به این منظور صورت می گیرند تا بلوچستانی آرام و باب طبع خویش جهت چپاول بیشتر مردم بلوچ، داشته باشند. اما غافل از آن که با ریختن خون بلوچ در بلوچستان، امنیت برقرار نخواهد شد و با اعدام هر بلوچی، دهها و صدها جوان دیگر اسلحه برداشته و به صفوف مبارزین خواهند پیوست. تجربه ۴ سال گذشته این واقعیت را آشکار ساخته است. آتشی که در بلوچستان برافروخته اند، با اعدام های دسته جمعی و قتل عام اخیر، شعله و تر خواهد شد و روزی نه چندان دور گریبان متجاوزین و زورگویان را خواهد گرفت.

گردهمایی دیشب: سهراب ما نمرده، ولایت است که مرده

شب گذشته، ساکنان محله آپادانای تهران؛ محل زندگی خانواده سهراب اعرابی، جوان ۱۹ ساله ای که در وقایع اخیر کشته و دیروز به خاک سپرده شد برای سهراب « شام غریبان » گرفتند و در یک اقدام بی سابقه از ورودی شهرک آپادانا تا مقابل در خانه خانواده اعرابی، شمع روشن چیدند. جمعیت از ساعت ۲۲ تا حدود ساعت ۲۳ شروع به شعار دادن کردند. مردم شعار می دادند: مرگ بر دیکتاتور؛ سهراب ما نمرده - ولایت است که مرده.

پروین فهیمی، مادر سهراب از مردم تشکر می کرد. مردم می آمدند دست او را می بوسیدند و او نیز در پاسخ روی مردم گل می پاشید.

سهراب اعرابی در راهپیمایی میلیونی مردم مورد اصابت گلوله قرار گرفت. خانواده وی مدت ۲۶ روز از او هیچ خبری نداشتند تا این که روز شنبه ۲۰ تیر ماه مسئولین قضایی خبر شهادت وی را به خانواده اش اعلام کردند.

سه شنبه، ۲۳ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۹

اسامی ۱۳ نفری که امروز در زاهدان اعدام شدند

رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی صبح امروز ۱۳ تن دیگر را در زندان زاهدان بدار آویخت. اسامی اعدام شدگان بدین شرح است :

- ۱- منوچهر شه‌بخش فرزند اکبر
- ۲- محمدحسن شاهوزهی فرزند شی محمد
- ۳- فائزه عبدالرزاق رشیدی فرزند حسن
- ۴- یعقوب گمشادزهی فرزند الک
- ۵- عبدالواسط شیهدکی فرزند قائم
- ۶- ادریس نوتی زهی فرزند ابراهیم
- ۷- عبدالقیاس دیدن نارویی فرزند جمعه‌خان
- ۸- عبدالصیور رخشانی فرزند عبدالغفور
- ۹- اسدالله وفایی فرزند جان محمد
- ۱۰- عبدالخالق میربلوچ‌زهی فرزند هیبت
- ۱۱- طارق آبادیان فرزند دادمحمد
- ۱۲- یحیی ریگی فرزند عبدالواحد
- ۱۳- خلیل احمد ریگی خالص فرزند عبداللطیف

مک کین: دیوار برلین فرو ریخت، دیوار اینها هم فرو می ریزد



سناتور جان مک کین، عضو ارشد سنای آمریکا در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ام. اس. ان. بی. سی در پاسخ به سئوالی درباره اعتراضات ضد حکومتی در ایران از جمله گفت، ۲۰ سال پیش، هیچ کس فرو ریختن دیوار برلین را پیش بینی نمی کرد، اما فرو ریخت. در ایران هم حرکتی شکل گرفته که قابل متوقف کردن نیست. این حرکت شرایط را به طور بنیادی در ایران تغییر خواهد داد.

وضعیت اقتصادی رژیم بشدت بحرانی است

سایت آینده نیوز در تهران: در حالی که فصل تابستان به صورت طبیعی باید پررونقترین فصل اقتصادی کشور باشد، اما شرایط ایجاد شده در کشور به دلیل آثار ناشی از کاهش قیمت نفت، رکود جهانی، سیاست‌های نادرست اقتصادی دولت و حوادث انتخابات، موجب شده است تا رکودی بی‌سابقه گریبانگیر فعالیت‌های اقتصادی گردد. از جمله فعالیت‌هایی نظیر ساختمان‌سازی با وقفه بی‌سابقه مواجه شده است، به طوری که قیمت مصالح ساختمانی به ویژه سیمان که قابلیت نگهداری طولانی مدت ندارد، با سقوط بی‌سابقه‌ای به زیر قیمت تمام شده، در سطح تهران رسیده و به قیمت کیسه‌ای کمتر از ۲۸۰۰ تومان به فروش می‌رسند. از سوی دیگر تورم فزاینده در قیمت کالاهای مصرفی، به ویژه مواد خوراکی و کرایه حمل و نقل، موجب وارد شدن فشار مضاعفی به مردم گردیده است. این تورم که گفته می‌شود ناشی از افزایش شدید نقدپنگی در آستانه انتخابات بوده است، بر اقشار آسیب‌پذیر فشار بیشتری را وارد می‌کند.

پیکر صدها تن از کشته شدگان در سردخانه ای در تهران

سایت نوروز در تهران: پیکر پاک صدها شهید اعتراضات مردمی یک ماه اخیر در سردخانه ای در جنوب غربی تهران نگهداری می‌شود. در حالی که بسیاری از خانواده های زندانیان در بند همچنان نگران عزیزانشان از این نهاد به آن سازمان و از این زندان به آن دادگاه سرگردان و حیران بازی داده می‌شوند و هیچ مقام مسئول و غیر مسئولی در کشور حاضر به پاسخگویی به این خانواده های نگران نیست، برخی از خانواده ها را به محل نامعلومی دعوت می‌کنند و بعد از توجیه و تهدید آنها به آسیب دیدن دیگر اعضای خانواده و همچنین گرفتن تعهد مبنی بر عدم اطلاع رسانی در مورد مرگ فرزندانشان و امضاء اوراقی با این مضمون که تأیید می‌کنند عزیزانشان بر اثر تصادف و یا دیگر حوادث طبیعی جان سپرده اند جنازه های آنها را تحویل خانواده های داغدار می‌دهند. به نقل از یکی از این خانواده ها که نخواست نامش فاش شود، وی را به سردخانه ای در جنوب غربی تهران که مخصوص نگهداری میوه و محصولات لبنی بوده است برده اند و آلبومی در اختیارش گذاشته اند که تصویر صدها کشته در آن بوده است تا جنازه فرزندش را از بین آنها شناسایی کند. به گفته وی دیدن تصاویر کشته شده ها نزدیک به نیم ساعت به طول انجامیده است. وی افزود در زمان خروج از این سردخانه پیکر صدها جان باخته را دیده است که در آنجا روی هم گذاشته شده بودند. این مادر داغدار می‌گوید با آنکه جنازه فرزندم را پیدا نکردم اما با دیدن آنهمه جنازه که رو هم دپو شده بود از هوش رفته ام و وقتی به هوش آمدم که در بیرون سردخانه و در ماشین بوده ام.

خبرگزاری فرانسه: ۱۵۰ سرنشین هواپیمای ایرانی کشته شدند

خبرگزاری فارس: فرمانده انتظامی قزوین گفت: یک فروند هواپیمای مسافربری در اقبالیه قزوین سقوط کرده است و تمام مسافران آن کشته شده‌اند.

سرهنک مسعود جعفری نسب افزود: این هواپیما در روستای فارسین اقبالیه قزوین سقوط کرده و تمام مسافران آن کشته شده‌اند.

مجله « اشترن » فردی به نام سعید (یا سید) محمد حسینی را مسئول اصلی خرید قطعات برای برنامه موشکی ایران می‌داند. به گفته این مجله، فرد مذکور تاکنون بیش از ۵۰ بار با نام‌های جعلی گوناگونی به آلمان سفر کرده است. حسینی با تأسیس بیش از صد شرکت دروغین، دست به ایجاد شبکه‌ای برای تأمین مقاصد خود زده است. آدرس تمامی این شرکت‌های جعلی در تهران است.

به گفته سازمان امنیت آلمان، فرد مذکور « یکی از مهمترین افراد تحت تعقیب در جهان است ».

مجله « اشترن » در گزارش خود می‌افزاید: « ایران با نیروی زیادی در حال ساخت موشکی است، که قادر به حمل بمب اتمی برای دستیابی به اهدافی در اروپا باشد. »

« اشترن » مدعی است، که بسیاری از شرکت‌های آلمانی، به ویژه شرکت‌های متوسط، با سعید (سید) محمد حسینی همکاری داشته‌اند. در صورت تأیید این مسئله، این شرکت‌های بر خلاف قانون منع تجارت و فروش وسایل تسلیحاتی به ایران عمل کرده و مرتکب جرم شده‌اند.

چهارشنبه، ۲۴ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۹

۱۰ جودوکار و مربی جان خود را در سقوط هواپیما از دست دادند

اعضای تیم ملی نوجوانان جودو ایران در مسیر سفر به ارمنستان، در سانحه سقوط هواپیما در شهر قزوین جان خود را از دست دادند. به گزارش شبکه ایران این تیم که قرار بود ۱۵ مرداد در پیکارهای جهانی مجارستان حاضر شود برای کسب آمادگی بیشتر تصمیم داشت در ایروان اردوی مشترک برگزار کند که در این سانحه همگی جان خود را از دست دادند.

وحید ابراهیمی (وزن ۵۱- کیلوگرم)، ایمان زینی وند (وزن ۵۵- کیلوگرم)، حسین بناء (وزن ۶۰- کیلوگرم)، سعید رسولی (وزن ۶۶- کیلوگرم)، مصطفی صباغی (وزن ۷۳- کیلوگرم)، یحیی باقرپور (وزن ۸۱- کیلوگرم)، مصیب عزیز الهی (وزن ۹۰- کیلوگرم) و علیرضا لشکری (وزن ۹۰+ کیلوگرم) به همراه علی بهرامی به عنوان سرمربی و علی محدث مربی اعضای این تیم را تشکیل می‌دادند.

این هواپیما ۱۶ دقیقه بعد از پرواز از فرودگاه « امام خمینی » در روستای فارسیان اقبالیه قزوین سقوط کرد و تمامی ۱۶۸ سرنشین آن کشته شدند.

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از تهران به نقل از رسانه های حکومتی نوشت این هواپیما ۱۵۰ سرنشین داشت که همه آنها کشته شدند.

چهارشنبه، ۲۴ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۹

سازمان امنیت آلمان: خطر فوری بمب اتمی رژیم تهران

راديو آلمان: به گفته کارشناسان سازمان امنیت آلمان، ایران در عرض شش ماه آینده قادر به ساخت بمب اتمی و آزمایش آن خواهد بود. این کارشناسان در گفت‌وگویی با مجله « اشترن » همچنین مدعی شدند، که ایران در صدد ساخت موشک‌های حامل این بمب است.

کارشناسان سازمان اطلاعات و امنیت آلمان (BND) در گفت‌وگویی با مجله‌ی آلمانی « اشترن » خبر از ساخت بمب اتمی ایران در طی شش ماه داده‌اند. به نظر این کارشناسان ایران همچون کره شمالی می‌تواند، بمب اتمی خود را در زیرزمین به آزمایش بگذارد. به گفته این مجله، بمب اتمی ایران بر پایه اورانیوم غنی‌شده خواهد بود.

خطر فوری بمب اتمی ایران؟

تاکنون هیچ دولت یا نهاد رسمی در کشورهای غربی این چنین روشن و بدون سوءتفاهم درباره برنامه تسلیحات اتمی ایران اظهار نظر نکرده است. به نظر کارشناسان سازمان امنیت آلمان، در حال حاضر متخصصان ایرانی قادر به اجرای کامل روند غنی‌سازی بوده و سانتریفوژهای لازم و اورانیوم کافی نیز در اختیار دارند.

یکی از کارشناسان امنیتی آلمان گفته است: « تا چند سال پیش هیچکس نمی‌توانست این مسئله را تصور کند. » به گفته آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین، ایران تنها در تأسیسات نطنز بیش از هفت هزار سانتریفوژ نصب کرده، که از این میان ۴۹۲۰ سانتریفوژ مشغول به کار هستند. این تعداد سانتریفوژ قادر به غنی‌سازی ۱۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم است، که برای ساخت یک یا دو بمب اتمی کافی خواهد بود.

ساخت موشک‌های کارآمد

ایران در حال حاضر فاقد موشک‌های کارآمد برای حمل این بمب اتمی است. به گفته مجله « اشترن » ایران می‌کوشد، فناوری و قطعات لازم برای ساخت این موشک‌ها را در کشورهای غربی، از جمله در آلمان، تهیه کند.

خبرگزاری فرانسه: تظاهرات در تهران

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از تهران نوشت پس از پایان نماز جمعه امروز تهران هزاران نفر در خیابانهای اطراف دانشگاه دست به تظاهرات زده و راهپیمایی کردند. نیروهای ضد شورش سعی می کردند تظاهرکنندگان را متفرق کنند.

حمایت برژینسکی از تیر خلاص زن



ایرنا: مشاور امنیت ملی اسبق رئیس جمهور آمریکا در دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر هفته گذشته در جمع پژوهشگران مرکز مطالعاتی رند گفت: اقداماتی که دولت آمریکا برای براندازی دولت ایران انجام می دهد قابل دفاع نیست و مساله مذاکره با ایران را مشکل تر می کند.

استاد سیاست خارجی در دانشگاه جان هاپکینز آمریکا تاکید کرد: با انجام این کارها یک طرف مذاکره احساس می کند طرف مقابل از اهرم تهدید و فشار دست برداشته و این به مساله مذاکره با ایران صدمه می زند.

برژینسکی افزود: به عقیده من این گونه سیاست ها نشانه آن است که در بروکرسی وزارت خارجه ما افرادی هستند که نمی خواهند تغییر جدی در سیاست ایالات متحده در قبال ایران ایجاد شود.

رئیس مؤسسه مطالعات استراتژیک و امور بین الملل واشنگتن در بخشی دیگر از سخنانش گفت: این افراد احتمالاً می خواهند مذاکره با ایران به بن بست برسد و در نهایت به شکست بینجامد. من واقعا باور ندارم که افرادی که در بروکرسی سیاست خارجی ما هستند همه در واقع یک هدف را در خصوص مذاکره با ایران دنبال می کنند.

زیگیو برژینسکی تاکید کرد: من فکر می کنم اگر کشور خارجی برای مردم آمریکا برنامه های ماهواره ای پخش می کرد و

آنها را تشویق به انجام کارهای غیرقانونی می نمود، دولت آمریکا بدون شک به عمل آن دولت اعتراض می کرد. دولت آمریکا اگر می خواهد در رابطه با موضوع مذاکره با ایران جدی باشد باید فعالیت هایی که هدف آن براندازی دولت است را متوقف کند. برژینسکی ادامه داد: نتیجه فعالیت های براندازی دولت آمریکا تلفیق بیشتر روحیه وطن دوستی مردم ایران با تفکر شیعی خواهد بود و اتفاقا منشا حمایت های مردمی از احمدی نژاد هم همین تلفیق روحیه وطن دوستی و تفکر شیعی است.

(البته باید متذکر شد که وی یکی از اعضای کمیسیون سه جانبه جهانی است که در به قدرت رسانیدن ملایان در ایران سهم بسزایی داشته است.)

احداث محوطه ای جهت انجام آزمایش اتمی در کویر لوت

« کورسور »، "INFOX"، خبرگزاری «ریا نووستی» روسیه، ۲۷ تیرماه

ایران در مراحل نهایی تاسیس محوطه ای برای انجام آزمایشات هسته ای در بخش شرقی صحرای مرکزی کشور یعنی "کویر لوت" است.

این محل توسط کارشناسان ایران با توجه به تجارب کره شمالی، شریک ایران در برنامه هسته ای انتخاب شده است.

به گزارش Debka، دو دیپلمات آژانس بین المللی انرژی اتمی اعلام کردند که ایران کلیه امکانات لازم را در اختیار دارد که طی شش ماه، اولین آزمایش هسته ای خود را انجام دهد.

یادآوری می کنیم که بر اساس گزارش اداره جاسوسی آلمان (BND) ایران می تواند تا شش ماه دیگر بمب اتمی بسازد و آنوقت بر اساس تجارب کره شمالی می تواند اقدام به انجام آزمایش زیر زمینی هسته ای کند. این مطلب را سه روز پیش مجله "اشترن" به نقل از یک منبع آگاه در محافل جاسوسی گزارش داد.

منابع BND به این نشریه اطلاع دادند که ایران از چرخه کامل غنی سازی برخوردار است که به این کشور اجازه می داد تا اورانیوم غنی شده در حد مصارف نظامی تولید کند. به همین خاطر مقامات ایران در حال حاضر توجه اصلی خود را به برنامه موشکی که توان حمل کلاهک هسته ای را داشته باشند، معطوف ساخته و تلاش دارند که از غرب از جمله آلمان فناوری های لازم در این زمینه را کسب کنند.

دوشنبه، ۲۹ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۹

الشرق الاوسط: بحران کنونی سرآغاز سقوط نظام

سایت فارسی شبکه خبری العربیه: روزنامه فرامنطقه ای الشرق الاوسط چاپ لندن درباره رویدادهای ایران نوشت، اوضاع کنونی بسیار خطرناک است، اصلاح طلبان درصدد ایجاد تحولاتی در درون ساختار کنونی نظام هستند، ولی ارگان های نظام چنین تحولی را نمی پذیرند و این امر چه بسا منجر به سقوط نظام در ایران شود.

نویسنده مقاله در این رابطه رویدادهای سال ۱۹۷۸ میلادی یعنی یک سال پیش از انقلاب را مثال زد و اینکه ناآرامی ها چگونه آغاز شد که در نهایت به انقلاب ایران و سقوط رژیم گذشته منجر گردید.

وی می نویسد، مشاوران شاه به وی توصیه کردند برخی اصلاحات را انجام دهد ولی وی از این امر خودداری کرد، هنگامیکه شرایط بحرانی تر شد، شاه امتیازات زیادی داد، ولی دیگر برای چنین امتیازاتی دیر شده بود.

پنجشنبه، ۱ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۹

جیره بندی آب در هفت استان کشور

معاون وزیر نیرو در امور آب و آبفا، روز گذشته در جمع خبرنگاران با ارائه گزارشی از اقدامات وزارت نیرو گفت: به دلیل خشکسالی در نیمه اول سال آبی جاری، مجبور به جیره بندی آب برای ۵۰۰ هزار نفر در کل کشور شدیم که این نوبت بندی در شهرهای کوچک صورت می گیرد، اگرچه تمامی تلاش وزارت نیرو این است که این مشکلات را حل کند.

محمدرضا عطارزاده افزود: این نوبت بندی در استان های خوزستان، فارس، بوشهر، کرمان، هرمزگان، ایلام و کهگیلویه و بویر احمد صورت گرفته است.

برخی از منابع سیاسی غربی به خبرگزاری آسوشیتدپرس اطلاع دادند که ایران کلیه تلاش های آژانس بین المللی انرژی اتمی برای انجام بازرسی های جدید برنامه هسته ای خود را مسدود ساخته و این در حالیست که هم اینک این کشور به ابزار لازم برای انجام آزمایشات هسته ای طی شش ماه دست یافته است.

یکی از منابع می گوید ایران امکان انجام آزمایشات هسته ای طی شش ماه را پیدا کرده است. ایران در برابر هر گونه تلاش بازرسان بین المللی برای بررسی تاسیسات هسته ای خود مانع تراشی می کند. به گفته این مقام آگاه که نخواست نامش ذکر شود، این مسئله از تلاش برای حفظ روند روز افزون فعالیت ها در این تاسیسات حکایت می کند.

دوشنبه، ۲۹ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۹

پاکستان یک زندانی بلوچ مخالف را به رژیم تحویل داد**انجمن فعالان حقوق بشر بلوچستان**

بنا به گزارش خبرگزاری حکومتی « فرهنگ آشتی » یکی دیگر از مخالفان رژیم (موسی بلوچ زهی) که در زندان (تربت) بلوچستان پاکستان بسر می برد دولت پاکستان وی را علیرغم خطر شکنجه و اعدام به ایران تحویل داد.

این اولین بار نیست که پاکستان دست به چنین عملی می زند. در اواخر خرداد سال گذشته دولت پاکستان چهار بلوچ مخالف رژیم که در خبرگزاریهای حکومتی از یکی از آنها به بعنوان « عبدالحمید ریگی » نامبرده شده و سه تن دیگر که در مورد مشخصات آنها چیزی ذکر نشده بود را در فرودگاهی در اسلام آباد تحویل مسئولین ایرانی داد. و بنا بر اطلاعاتی دادگستری سیستان و بلوچستان عبدالحمید ریگی در روزهای هفته جاری و یا در هفته آینده اعدام خواهد شد.

همچنین بر طبق گزارشی از « رادیو گوانک بلوچستان » در اسفند سال گذشته پنج نفر دیگر از مخالفین رژیم (ادریس بلوچ - عبدالصبور بلوچ - ریاض احمد بلوچ - محمدعلی بلوچ و محمد آشا بلوچ) که در زندان کوئته پاکستان بسر می بردند توسط دولت پاکستان به رژیم جمهوری اسلامی تحویل داده شدند و دو تن آنها (ادریس بلوچ - عبدالصبور بلوچ) در هفته گذشته بهمراه یازده تن دیگر در زندان زاهدان دار آویخته شدند.

کوچک به شهرهای بزرگ‌تر و محل تجمعات معترضان آورده شده‌اند.

او گفت: « به این جوانان ۱۵ ساله چنان قدرتی داده می‌شود که متأسفانه باید بگویم از آن سوء استفاده می‌کنند. این بچه‌ها هر کاری که دوست دارند می‌کنند - مردم را مجبور می‌کنند کیف پولشان را خالی کنند، هر چه بخواهند از مغازه‌ها برمی‌دارند بی آن که پولش را بپردازند و دختران جوان را دستمالی می‌کنند. این دختران از ترس آرام می‌مانند و می‌گذارند هر کاری که بسیجی‌ها دلشان می‌خواهد با آن‌ها بکنند. »

این نوجوانان و « لباس شخصی‌ها » هستند که به اسم

رژیم، بیش‌تر این جنایت‌ها را مرتکب می‌شوند.

از او درباره نقش‌اش در سرکوب وحشیانه مخالفان پرسیده شد و این که آیا مردم را کتک زده است و آیا پشیمان است. او در پاسخ چنین طفره رفت: « من به تظاهرات‌کنندگان حمله نکرده‌ام - تازه اگر هم کرده باشم، دستورات را اجرا کرده‌ام. پشیمان نیستم. » و ادامه داد: « به جز از دوران نوجوانی‌ام که زندانبان بودم. »

او می‌گوید مادرش او را به بسیج برده است.

« در شانزده سالگی مادرم مرا به یکی از پایگاه‌های بسیج برد و التماس کرد تا مرا زیر بال و پر خودشان بگیرند، چون هیچ کس را نداشتیم و آینده‌ای پیش رویم نبود. پدرم در جنگ عراق شهید شده بود و مادرم نمی‌خواست که معتاد یا لات خیابانی بشوم. چاره‌ای نداشتیم. »

می‌گوید خیلی زود در بسیج به مقام بالایی رسیده است و « مافوق‌هایم چنان از من راضی بودند که در ۱۸ سالگی به من این « افتخار » داده شد که با دختران اعدامی، پیش از اعدام ازدواج کنم. »

به گفته وی، در جمهوری اسلامی، اعدام دختران باکره، هر جرمی که مرتکب شده باشند، غیر قانونی است. بنابراین در شب پیش از اعدام، مراسم « ازدواج » انجام می‌گیرد؛ یعنی دختر باکره مجبور می‌شود تا با یکی از زندانبانان رابطه جنسی داشته باشد، در واقع « شوهرش » به او تجاوز می‌کند.

او می‌گوید: « از این کار پشیمانم، با آن که ازدواج قانونی بود. »

پس اگر « قانونی » بود، چرا پشیمانی؟

« چون می‌دیدم که این دختران از شب « عروسی » بیش‌تر از اعدام صبح روز بعد، می‌ترسیدند. و همیشه مقاومت می‌کردند، به طوری که مجبور می‌شدیم در غذایشان قرص

وی اظهارداشت: نوبت بندی آب به نحوی صورت می‌گیرد که برخی نقاط ۸ ساعت، برخی دیگر ۱۲ ساعت و برخی‌ها نیز ۱۸ ساعت آب در اختیار دارند.

آدینه، ۲ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۰۰۹

اوج وحشیگری، رذالت و ددمنشی رژیم اسلامی

روزنامه جرورالم پست گزارشی تکان دهنده از تجاوز به دختران زندانی در زندانهای رژیم را منتشر کرده که اوج وحشیگری، رذالت و ددمنشی رژیم اسلامی را نشان می‌دهد

تجاوز به دختران قبل از اعدام اورشلیم پست، ۲ مرداد

۱۳۸۸

شهرزاد نیوز: در مصاحبه‌ای شوک‌آور و غیر مترقبه که وحشی‌گری نظام مذهبی علی خامنه‌ای رهبر رژیم ایران را آشکار می‌سازد، یکی از اعضای بسیج به گزارشگر ما از نقش خود در سرکوب تظاهرات خیابانی مخالفان در هفته‌های اخیر صحبت کرد.

او هم‌چنین جزئیات کارهای خود را در این نیرو، از جمله مشارکت اجباری در تجاوز به دختران جوان ایرانی در شب قبل از اعدام، فاش ساخت.

این گفتگو، تلفنی و به صورت ناشناس انجام شده است. فرد رابط نیز منبع قابل موثقی است که هویت او را نمی‌توان فاش ساخت.

نیروی داوطلبانه بسیج که در سال ۱۹۷۹ با نام « ارتش مردمی » توسط روح الله خمینی پایه گذاشته شد، تحت نظر سپاه پاسداران قرار دارد و به شدت به جانشین خمینی، خامنه‌ای، وفادار می‌باشد.

این عضو بسیج که متأهل و دارای فرزند است، کمی پس از آزادی‌اش از زندان به مصاحبه پرداخت. او به « جرم » آزادی یک پسر ۱۳ ساله و یک دختر ۱۵ ساله که طی اعتراضات پس از انتخابات دستگیر شده بودند، بازداشت شده بود.

وی می‌گوید: « تعداد زیادی از اعضای پلیس و نیروهای امنیتی هم بازداشت شده بودند، زیرا با تظاهرکنندگان خیابانی با ملایمت برخورد کرده بودند یا بدون مشورت با مقام بالاتر، آنها را آزاد کرده بودند. »

او بخش زیادی از خشونت‌های اعمال شده توسط دستگاه امنیتی ایران علیه مخالفان را به گردن « نیروهای امنیتی وارداتی » - جوانان ۱۴، ۱۵ ساله‌ای - انداخت که از روستاهای

یک منبع آگاه در گفتگو با خبرنگار فارس ضمن اعلام این خبر افزود: حادثه هنگامی روی داد که پرواز شماره ۱۵۲۵ تهران - مشهد حدود ساعت ۱۸ امروز بر فراز فرودگاه مشهد مجبور به فرود اضطراری شد.

خبرهای دیگر حاکی از آن است که هواپیما از نوع ایلوشین و مجموع مسافران و خدمه آن ۱۶۰ نفر بوده است.

شنبه، ۳ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۹

گزارش خوانندگان از تظاهرات امروز در میدان ونک

امروز ۳ مرداد میدان ونک قلب آزادی خواهی بود. من که امروز گذرم به میدان ونک افتاده بود دیدم که مردم بدون توجه به حضور گسترده گاوهای وحشی با صدای بلند شعار مرگ بر دیکتاتور می دادند و تظاهرات می کردند. اما یک صحنه ناجوانمردانه اعصابمو خورد کرد و اونم این بود که لباس شخصیها بین مردم پنهان می شدند و مدام با بیسیم به پلیس دستور میدادند که به کدام سمت بروند و گاهی خودشون به طرز وحشیانه ای به مردم حمله می کردند که خودم دیدم یک پسر جوان رو زیر ساختمون اسکان مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند و مردم هم با شعار ولش کن ولش کن و جیغ و فریاد سعی داشتند اون جوان رو نجات بدن ولی بسیجیها بردنش و به مردم نیز هجوم بردند.

دوشنبه، ۵ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۹

جوان دیگری زیر شکنجه در اوین جان باخت



فعالان حقوق بشر در ایران
امیر جوادی لنگرودی یک جوان بیست و چهار ساله که در اعتراض های ۱۸ تیرماه بازداشت شده بود، در گذشته است.

بریزیم. صبح که دختر بلند می شد، دیگر اثری از حیات در او دیده نمی شد، مثل این که آماده یا خواستار مرگ بود. «
» یاد می آید که پس از تجاوز صدای گریه و فریادشان را می شنیدم. « او هیچ وقت فراموش نمی کند که چطور یکی از این دختران به صورتش و گردنش چنگ انداخت. او تمام بدنش را زخمی کرده بود. «

دوباره به وقایع هفته های اخیر برمی گردیم و به تصمیم او مبنی بر آزادی دو نوجوان زندانی. او می گوید « صادقانه نمی داند چرا آن ها را آزاد کرده است، تصمیمی که به دستگیری خودش منجر شد. « اما به گمانم چون خیلی جوان بودند. آن ها شبیه بچه ها بودند و می دانستم اگر آزاد نشوند، چه بر سرشان می آید. «

می گوید پسر در « ۱۳ سالگی و دختر در ۹ سالگی بالغ و مسئول اعمالش است » و « آزادی دختر ۱۵ ساله واقعاً مرا به دردمس انداخت. «

می گوید موقع بازداشت شکنجه نشده و درست و حسابی هم بازجویی نشده است. « فقط در یک اتاق کوچک تنها زندانی بودم. تنهایی سخت است. بنابراین بیش تر اوقات دعا می کردم و به زن و بچه هایم فکر می کردم. «

آدینه، ۲ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۹

سانحه هوایی در مشهد؛ دهها کشته و مجروح



فرود اضطراری هواپیما در فرودگاه مشهد بیش از ۳۰ کشته و زخمی برجا گذاشت.
خبرگزاری فارس: در پی حادثه ناشی از فرود اضطراری هواپیما در فرودگاه بین المللی مشهد، بیش از ۳۰ تن کشته و مجروح شدند.

عراق حمله کردند. در این یورش به شهروندان این قرارگاه دهها نفر مجروح و تعدادی دستگیر شدند.

مریم رجوی، روز یکشنبه ۴ مرداد (۲۶ ژوئیه) با انتشار بیانیه ای در رم، چند شرط برای بازگشت ساکنان اردوگاه اشرف به ایران تعیین کرده است.

بر اساس بیانیه مریم رجوی، چنانچه حکومت ایران در «نامه ای رسمی» خطاب به (سازمان) ملل متحد، صلیب سرخ بین المللی و دولت های آمریکا و عراق، متعهد شود که اعضای سازمان مجاهدین خلق در صورت بازگشت به ایران «از دستگیری و تعقیب و شکنجه و اعدام و هرگونه پیگرد و پرونده سازی قضایی مصون هستند و از آزادی بیان برخوردارند»، ساکنان اردوگاه اشرف به ایران بازخواهند گشت.

وی همچنین در بیانیه خود اعلام کرده است که اعضای سازمان مجاهدین خلق که در اردوگاه اشرف سکونت دارند، حاضرند با شرط های یاد شده، گروه گروه به ایران باز گردند؛ اما فاصله اعزام آنها باید طوری باشد که پایداری حکومت ایران به تعهدهایش در مورد گروه اول آزمایش شده باشد.

سه شنبه، ۶ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۹

واردات سیب آمریکایی از بندر شهید رجایی



خبرآنلاین: سیب های آمریکایی از بندر شهید رجایی وارد ایران شد. پس از واردات مشکوک پرتقال های اسرائیلی که دلیل واردات آن در نهایت مشخص نشد و اعلام شد که این اسرائیلی نبوده است و فقط نام و نشان اسرائیل با تقلب روی آن حک شده بود، این بار نوبت به واردات سیب های قرمز آمریکایی رسید.

سیب های وارد شده از نوع قرمز و مرغوب هستند و روی برچسب آن بارکد و نشان ایالات متحده آمریکا USA حک شده است. سیب ها «رد دلیسیوس» نام دارند و کد تجاری ۴۰۱۵ روی آن درج شده است.

متن نامه مهندس علی جوادی لنگرودی پدر امیر بدین شرح است:

با سلام

«حال که این نامه را ارسال می کنم از اوین زنگ زدند و گفتند بیا جنازه پسر و جگر گوشهات را از پزشکی قانونی تحویل بگیر. لازم است بگویم پسر در تاریخ ۱۸ تیر ماه در محدوده امیرآباد توسط لباس شخصی ها مصدوم و در بیمارستان بستری بود اما پس از بهبودی به زندان اوین برده شد و حالا جنازه پسر ۲۴ ساله ام را تحویل می دهند.

پسر بنام امیرجوادی لنگرودی پسری بود به دور از جریان های سیاسی و فقط عاشق وطن بود همین و بس پسری مؤدب و سر به زیر که به تازگی مادرش را از دست داده بود و عزادار مادرش بود. حال من تنها باید برایش عزا بگیرم و مادری نیست تا برایش گریه کند.»

مهندس علی جوادی لنگرودی

دوشنبه، ۵ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۹

کسری ۲/۴ میلیارد دلاری برای اجرای طرح های صنعت گاز

روزنامه ابرار اقتصادی: شرکت ملی گاز ایران برای تأمین مالی طرح های در دست اجرای خود با کسری ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلاری مواجه شده است که پیش بینی می شود عدم تأمین این منابع، تکمیل بسیاری از طرح ها را تحت تاثیر قرار دهد. سقوط نرخ جهانی نفت خام و به دنبال آن کاهش درآمدهای ارزی، مشکلاتی را برای اجرای طرح های بخش پایین دستی صنعت گاز کشور ایجاد کرده است. هم اکنون از بودجه ۶ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلاری مصوب شرکت ملی گاز در سال ۱۳۸۸، فقط حدود ۲ میلیارد دلار آن تخصیص یافته که این موضوع موجب کند شدن اجرای طرح های مختلف گاز کشور در بخش های ساخت خطوط انتقال گاز، ایستگاه های تقویت فشار، تکمیل طرح های پالایشی، شبکه گذاری های شهری و گازرسانی به روستاها شده است.

سه شنبه، ۶ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۹

حمله نیروهای عراقی به ساکنین قرارگاه اشرف

روز ششم مردادماه نیروهای نظامی دولت عراق به ساکنین قرارگاه اشرف در نزدیکی شهر خالص در شمال شرقی

رقابت شدیدی برای به دست آوردن مجوز واردات این گونه کالاها وجود دارد.

واردات انبوه سیب‌های آمریکایی در حالی صورت می‌گیرد که سیب‌های تولیدی کشاورزان ایرانی به دلیل دلالتی در بازار میوه و مقرون به صرفه نبودن تولید میوه در ایران، روی دستشان مانده است و برخی از کشاورزان نیز روی به شغل‌های دیگری آورده‌اند که شاید یکی از دلایل کاهش تولید سیب در کشور همین امر باشد.

این در حالی است که وزارت بازرگانی و وزارت کشاورزی همواره بر حمایت خود از کشاورزان تأکید دارند اما در عمل، سیب، نه تنها از لبنان و پاکستان که از آمریکا وارد کشور می‌شود و دلارهای نفتی ایران تا آن سوی جهان برای واردات سیب می‌رود.

چهارشنبه، ۷ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۹

خروج میلیاردها دلار پول و طلا از ایران به ترکیه

گزارش یکی از خوانندگان از ترکیه: چندی پیش رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه با وجود بحران اقتصادی خبر جذب ۱۸,۵ میلیارد دلار سرمایه به ترکیه برای ترمیم چهره اقتصادی دولتش را بطور رسمی در سخنرانی اش اعلام کرد. کانال دی ترکیه دیشب با مدارک غیر قابل انکار فاش ساخت این سرمایه که ۷,۵ میلیارد دلار آن بصورت نقد و ۱۱ میلیارد آن به شکل ۲۰ تن شمش طلا است توسط شخصی به نام اسماعیل صفاری نسب از ایران بوسیله کشتی به ترکیه انتقال داده شده است. هم اکنون مامورین ویژه در آن بندر از ۲۰ تن طلا محافظت میکنند. حال جای سوال دارد که این آقای صفار نسب کیست و از طرف چه کسی و با چه هدفی این مبلغ عظیم را که بسیار بیشتر از بودجه برخی از کشورهاست به ترکیه انتقال داده است.

پنجشنبه، ۸ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۹

سی ان ان: حضور هزاران نفر بر سر مزار ندا

شبکه تلویزیونی سی ان ان در خبری فوری اعلام کرد بیش از ۲ هزار نفر هم اکنون بر سر مزار ندا آقا سلطان در گورستان بهشت زهرا حضور دارند و مراسم چهلم او را برگزار می‌کنند. این در حالیست که صدها تن از نیروهای پلیس ضد شورش نیز در محل مستقر شده‌اند. گزارش شده پلیس علیه تجمع کنندگان دست به خشونت زده است.

فعالان بازار میوه در جنوب کشور می‌گویند: سیب‌های وارداتی از بهترین نوع سیب‌ها هستند که البته نمونه مشابه آن در ایران هم برداشت می‌شود. سیب‌های آمریکایی از بندر شهید رجایی، که بزرگترین بندر بارگیری کشور است وارد ایران شده، اما هنوز به طور دقیق معلوم نیست که آیا از بنادر دیگر هم این نوع سیب وارد شده است یا خیر.

هفته گذشته بزرگترین کشتی کانتینری جهان به ظرفیت ۱۴ هزار TEU کانتینر در کنار ترمینال شماره دو بندر شهید رجایی پهلوگیری کرد و از همان لحظه عملیات تخلیه و بارگیری بیش از ۵۵۰۰ TEU کانتینر توسط شرکت تایدواتر آغاز شد.

کشتی MSC BEATRICE متعلق به خطوط کشتیرانی MSC سوئیس پس از انجام عملیات تخلیه و بارگیری در بندر دبی ساعت ۹ صبح روز جمعه دو هفته گذشته در لنگرگاه بندر شهید رجایی لنگر انداخت و پس از آن در ساعت ۱۴ روز بعد آن موفق به پهلوگیری در ترمینال جدید بندر شهید رجایی شد. با ورود این کشتی به بندر شهید رجایی به سرعت عملیات تخلیه و بارگیری کانتینرهای این کشتی با استفاده از شش دستگاه گنتری کرین سوپر پست پاناماکس آغاز شد.

محموله ۱۵۰ تنی سیب آمریکایی به احتمال زیاد از طریق همین کشتی به ایران آمده است، اما از آنجایی که ناظران و بازرسان وزارت بازرگانی نظارتی بر پهلوگیری این کشتی و محتویات کانتینرها نداشته‌اند، سیب‌های قرمز آمریکایی به راحتی در جعبه‌های انبوه وارد بندر شهید رجایی شده‌اند و سپس برای توزیع به شهرهای مختلف منتقل گشته‌اند.

حجم واردات این محصول ۱۳۰ تا ۱۵۰ تن تخمین زده شده است که بخشی از این حجم در بازار میوه کشور توزیع شده و مابقی آن در سردخانه‌ها محفوظ است تا یک ماه دیگر و در ایام ماه رمضان با قیمتی بالغ بر ۳۰۰۰ تومان در هر کیلو توزیع شود.

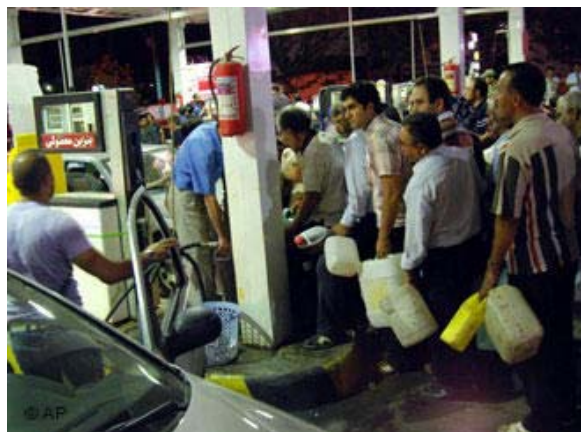
ثب سفارش واردات سیب‌های آمریکایی از سوی یکی از شرکت‌های خصوصی واردکننده میوه انجام گرفته است و وزارت بازرگانی و گمرک نیز با آن موافقت کرده‌اند.

در حال حاضر ایران تجارت مستقیم و رسمی با ایالات متحده ندارد اما کالای آمریکایی در ایران موجود است که معمولاً مبادی ورودی آن مشخص نیست.

گفته می‌شود اجازه واردات برخی کالاهای پرمشتری در ایران به طور محدود در اختیار عده‌ای قرار می‌گیرد، در نتیجه

سنای آمریکا و تحریم صدور بنزین به ایران

راديو آلمان: سنای آمریکا با تصویب یک طرح تازه خواستار منع خرید نفت خام از شرکت‌هایی شد که به ایران بنزین و سایر فرآورده‌های نفتی صادر می‌کنند. این طرح برای اجرائی شدن نیازمند تصویب مجلس نمایندگان و امضای رئیس‌جمهور است.



تحریم شرکت‌های تأمین‌کننده بنزین و سایر فرآورده‌های نفتی پالایش شده مورد نیاز ایران، قبلاً نیز، چند بار به وسیله برخی از سناتورهای آمریکائی مطرح شده بود. طرح تازه، اگر به تصویب مجلس نمایندگان و امضای رئیس‌جمهور برسد، دولت آمریکا را از خرید نفت شرکت‌های تحریم شده، برای تأمین ذخیره انبارهای استراتژیک خود، منع می‌کند.

ایران نیازمند بنزین خارجی

ایران، به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت خام، به دلیل عدم سرمایه‌گذاری در نوسازی و گسترش پالایشگاه‌های داخلی، ۴۰ درصد بنزین مورد نیاز خود را از کشورهای دیگر وارد می‌کند.

هدف آمریکائی‌ها از تحریم شرکت‌های تأمین‌کننده بنزین ایران آن است که بر فشارهای اقتصادی بیافزایند تا جمهوری اسلامی از تعقیب برنامه غنی‌سازی اورانیوم چشم‌پوشی کند. دولت باراک اوباما، در هفته‌های اخیر برای اعمال فشار بر ایران زیر فشار سناتورها قرار گرفته است.

پیشنهاد تحریم بانک مرکزی

حدود ده روز پیش، سناتور جان مک‌کین، رقیب جمهوری‌خواه اوباما در مبارزات انتخاباتی، از رئیس‌جمهور

خواست که در صورت شکست تلاش‌های دیپلماتیک، بانک مرکزی ایران را مشمول تحریم کند. در این اقدام، سناتور جان کابل از حزب جمهوری‌خواه و سناتور لیبرمن از حزب دموکرات، پشتیبان جان مک‌کین بودند.

سه سناتور آمریکائی، اجرای پیشنهاد خود را در صورتی ضروری دانستند که جمهوری اسلامی ایران تا زمان تشکیل نشست سران گروه ۲۰ حاضر به بازگشت بر سر میز مذاکره نشود یا تا آن زمان برنامه‌ی غنی‌سازی اورانیوم را متوقف نکند. اجلاس سران هفت کشور صنعتی و روسیه، در تازه‌ترین نشست خود، تا اواخر سپتامبر به جمهوری اسلامی مهلت دادند.

کمک به شکستن سد سانسور

سنای آمریکا روز سوم مردادماه (۲۵ ژوئیه) امسال نیز، با تصویب طرحی دیگر خواستار تخصیص ۲۰ میلیون دلار بودجه برای مقابله با سانسور اینترنت در ایران شد. سناتورها طرح خود را «قانون قربانیان سانسور در ایران» نام نهادند. از میان پنج سناتور تهیه‌کننده طرح، جان مک‌کین گفت: «همزمان با تلاش رژیم ظالم ایران برای محدود کردن ایرانیان، طرح ما به ایرانیان کمک می‌کند که با استفاده از رادیو، تلویزیون و فن‌آوری جدید اینترنت و ارتباطات، محدودیت‌ها را کنار بزنند.»

آدینه، ۹ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۹

دهها نفر دیروز در تهران دستگیر شدند

ایسنا: فرمانده انتظامی تهران بزرگ از دستگیری حدود ۵۰ نفر در روز گذشته در پایتخت خبر داد. سردار عزیزالله رجب‌زاده اظهار کرد: در روز گذشته ۵۰ نفر که اقدام به تخریب، آتش زدن اموال و سنگ‌پرانی کرده بودند، در بهشت زهرا و مناطق دیگر تهران دستگیر شدند. وی ادامه داد: در روز گذشته عده‌ای در خیابان‌های بهشتی و ولیعصر نیز اقدام به برگزاری تجمعاتی کردند و اغتشاشات روز گذشته تخریب‌چندانی به همراه نداشت و تنها چند سطل زباله توسط این افراد به آتش کشیده شد و سنگ‌پرانی‌هایی نیز به ماموران پلیس صورت گرفت. وی در رابطه با دستگیری‌های صورت گرفته درباره چند هنرمند نیز اظهار کرد: در روز گذشته جعفر پناهی به همراه یکی از دستیارانش و دو، سه نفر از بستگانش در بهشت زهرا دستگیر و ظرف ۱۰ دقیقه همگی این افراد آزاد شدند.

واردات که بخش عمده آن مصرفی (بنزین و روغن) و واسطه ای است نشان می دهد که دولت در فراهم کردن فضای مطلوب کسب و کار سیاست گذاری خاصی صورت نداده تا از بحران جهانی برای کشور ما فرصت بسازد چرا که اقلام وارداتی نشان از کاهش میزان واردات کالاهای سرمایه ایست. این در حالی است که معاون بازاریابی و تنظیم روابط سازمان توسعه تجارت ایران از کاهش ۱۰ درصدی ارزش صادرات کشور در سه ماهه امسال خبر می دهد. محمدعلی ضمیمی با اشاره به وضعیت صادرات کالا در کشور اظهار داشت: سال گذشته حدود ۱۸ میلیارد دلار صادرات کشور بود که نسبت به سال ما قبل ۱۸ درصد رشد داشت.

شنبه، ۱۰ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱ ژوئیه ۲۰۰۹

نیاز به ۹۰ میلیارد دلار تسهیلات خارجی برای نفت و گاز ایران

اجرای برنامه تولید نفت و گاز نیاز به ۱۵۴ میلیارد دلار سرمایه گذاری دارد.

روزنامه ابرار اقتصادی: پیش بینی می شود که در برنامه پنجم توسعه عرضه اوراق مشارکت ارزی و ریالی چندین بار تکرار و بخشی از اعتبارات مورد نیاز از این روش تامین شود. عبدالمحمد دلپیش - مدیر برنامه ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران - در گفت و گو با ایسنا با بیان این مطلب گفت: در این رابطه مصوبه دولت مبنی بر عرضه یک میلیارد یورو اوراق مشارکت ارزی و ریالی شیوه بسیار مناسبی بوده است. بر اساس این گزارش، چندی پیش وزیر نفت با بیان این که هم اکنون مصوبه عرضه یک میلیارد دلار اوراق ریالی و ارزی توسط دولت ابلاغ شده و مشاور مقدمات کار را انجام می دهد، گفته بود که به نظر می رسد در سه تا چهار مرحله اوراق این یک میلیارد دلار عرضه شود. باید بانک کارگزار معرفی شود که به جز بانک ملت بانک های دیگری هم هستند. به گفته نوذری اوراق یک میلیارد دلاری بخشی از یک برنامه پنج ساله برای عرضه ۵ میلیارد دلار اوراق است که می توان سالی یک میلیارد دلار عرضه کرد؛ در نتیجه بخش زیادی از درآمد آن به پارس جنوبی اختصاص پیدا خواهد کرد.

نیاز به سرمایه گذاری ۱۵۴ میلیارد دلار در بالادست صنایع نفت و گاز دلپیش با تاکید بر این که براساس برآورد انجام شده اجرای برنامه تولید نفت و گاز (بالادست) در شرکت ملی نفت، نیاز به ۱۵۴ میلیارد دلار سرمایه گذاری دارد،

به گفته فرمانده انتظامی تهران بزرگ، افراد دستگیر شده حوادث روز گذشته به سیستم قضایی ارجاع داده شدند.

وی در رابطه با موضوعات مطرح شده مبنی بر تحت کنترل بودن حجت الاسلام کروی و همچنین میرحسین موسوی نیز اظهار کرد: معمولاً چهره های سیاسی، محافظه هایی را به همراه دارند، اما برای این که کسی تعرضی به این افراد نکند در روز گذشته برای حفظ امنیت این دو تن، مأموران انتظامی در اطراف آن ها حضور داشتند.

وی تصریح کرد: آقای موسوی بیش از سه دقیقه در بهشت زهرا حضور نداشتند و پلیس نیز دخالتی در آمدن و رفتن ایشان نداشت.

سردار رجبزاده با اشاره به این که اتفاقات روز گذشته، کشته ای در بر نداشته است، افزود: تعدادی از نیروهای پلیس نیز در این رابطه مجروح شدند.

شنبه، ۱۰ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱ ژوئیه ۲۰۰۹

رشد ۱۰۰ درصدی واردات گندم آمریکا به ایران

روزنامه ابتکار: میزان واردات گندم در چهار ماهه اخیر بالغ بر دو میلیون و ۶۳۷ هزار تن و به ارزش بیش از ۶۶۰ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار بوده است که نسبت به چهار ماهه مشابه سال قبل ۱۰۰ درصد رشد نشان می دهد. بنابراین گزارش در سه ماهه اول امسال نیز میزان واردات گندم بالغ بر یک میلیون و ۸۵۲ هزار تن به ارزش بالغ بر ۴۵۷ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار بوده که این رقم نشان می دهد واردات گندم در تیرماه نسبت به ماه قبل از لحاظ وزنی بیش از ۴۲ درصد رشد و به لحاظ ارزشی ۴,۴۴ درصد رشد کرده است. بر اساس گزارش گمرک در چهار ماهه نخست سال جاری گندم پس از بنزین و شمش سومین قلم عمده وارداتی بوده است. در آمار سه ماهه اول سال نیز بنزین، شمش و گندم به ترتیب سه قلم عمده وارداتی کشور بوده اند. گزارش سه ماهه نشان می دهد که میزان وزنی واردات نسبت به مدت مشابه قبل، ۳۵ درصد رشد داشته است که این مسئله نشان دهنده میل سیری ناپذیر دولت به واردات است. در همین حال قیمت های جهانی تحت تاثیر بحران اقتصادی جهان بین ۲۰ تا ۵۰ درصد کاهش یافت اما ارزش واردات به کشور ما تنها ۱۰ درصد کاهش نشان می دهد و این به معنای آن است که واردات به کشور ما دست کم بیش از ۲۰ درصد گران تر از دیگر کشور ها انجام می شود. به گزارش فردا از سوی دیگر افزایش ۳۵ درصدی وزن

وی با بیان اینکه در فصل مرکبات نیز نارنگی و پرتقال در زیر درختان انباشته می شود، اظهار داشت: نبود صنایع تبدیلی در استان ضربه سنگینی به باغداران وارد می کند.

به گفته وی، تنها کارخانه کنسانتره مازندران در تنکابن تعطیل شده و کارخانه بابل نیز هنوز راه اندازی نشده است. نماینده ساری در مجلس با بیان اینکه مازندران هم در بخش صنعت و هم کشاورزی مشکل دارد، یادآور شد: رئیس جمهور در سفر اخیر به مازندران به وزیر صنایع و معادن در خصوص توجه ویژه به صنعت و مکانیزه کردن کشاورزی استان دستور ویژه داد.

وی دستور رئیس جمهور را قول ایشان به مردم مازندران تلقی کرد و گفت: وزیر صنایع و معادن متعهد شده است که ۸۰ درصد سرمایه مورد نیاز ایجاد کارخانه کنسانتره را تسهیلات دهد.

شنبه، ۱۰ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱ ژوئیه ۲۰۰۹

سناریو محاکمه بازداشت شدگان؛ حضور یکصد نفر در دادگاه انقلاب

خبرگزاری حکومتی فارس: دادگاه متهمان اغتشاش و آشوب و متهمین پروژه شکست خورده کودتای مخملی در سالن اجتماعات اداره کل دادگستری تهران (مجمع امام خمینی) آغاز شد. پس از قرائت قرآن این دادگاه آغاز شد و با سخنان صلواتی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ادامه یافت. پس از سخنان وی معاون دادستان عمومی و انقلاب تهران به نمایندگی از مدعی العموم قرائت متن کیفرخواست را آغاز کرد. در بین متهمین حاضر در جلسه دادگاه که نزدیک به ۱۰۰ نفر بودند، چهره‌های شناخته شده و مشهوری مثل بهزاد نبوی عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، میردامادی دبیر کل حزب مشارکت، امین‌زاده عضو شورای مرکزی حزب مشارکت، عطریانفر عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران، محمدعلی ابطحی عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز، صفایی فراهانی عضو شورای مرکزی حزب مشارکت، رمضان‌زاده عضو شورای مرکزی حزب مشارکت به چشم می‌خورند.

شنبه، ۱۰ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱ اوت ۲۰۰۹

تأیید وام ۲۸۰ میلیون دلاری جمهوری اسلامی به بولیوی

دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی در بولیوی از تأیید وام ۲۸۰ میلیون دلاری به این کشور خبر داد.

خاطرنشان کرد: این هزینه بسیار سنگین است و تامین آن یکی از دغدغه‌های بزرگ محسوب می شود. به گفته وی در این زمینه پیش بینی شده حدود ۶۰ میلیارد دلار آن از منابع داخلی و حدود ۹۰ میلیارد دلار از تسهیلات خارجی (فاینانس، بیع متقابل و سایر روش‌ها) تامین شود. وی تصریح کرد: همچنین استفاده از حساب ذخیره ارزی یا انتشار اوراق مشارکت، برای تامین مالی طرح‌های مهم برنامه پنج ساله پنجم توسعه باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

شنبه، ۱۰ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۱ ژوئیه ۲۰۰۹

واردات بی رویه موجب انبار شدن برنج کشاورزان شده است

نماینده ساری در مجلس گفت: واردات بی رویه موجب انبار شدن برنج کشاورزان شده است.



به گزارش مهر، سید رمضان شجاعی کیاسری بعد از ظهر پنج شنبه در مراسم معارفه مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی مازندران از وضعیت برنج کشور انتقاد کرد و یادآور شد: واردات بی رویه موجب انبار شدن برنج کشاورزان شده است. وی با اشاره به اینکه هزینه تمام شده تولید برنج ایرانی نسبت به برنج خارجی بیشتر است، بیان داشت: تنها چهار درصد شالیکوبی‌های استان مکانیزه است که این امر موجب افزایش ضایعات تا ۳۰ درصد می‌شود. شجاعی کیاسری استدلال مکانیزه شدن برابر با بیکاری را نادرست دانست و افزود: مکانیزه کردن کشاورزی نه تنها باعث بیکاری نمی‌شود بلکه موجب افزایش سرعت و کیفیت تولید نیز خواهد شد.

را خواهند داد و پیام کوتاه دوم نیز تجمع در روز جمعه ۲۲ خرداد و در ساعت ۲۴ جلوی در وزارت کشور بود. فرمانده نیروی مقاومت بسیج با بیان اینکه خاتمی بر سر صندوق رأی گفت «من پیشگو نیستم ولی موسوی با فاصله زیادی پیروز می شود»، اظهار داشت؛ همچنین آقای فاتح چنین اقدامی را انجام داد و خود موسوی نیز قبل از اتمام انتخابات و آغاز شمارش آرا در کنفرانس مطبوعاتی پیروزی خود را اعلام کرد. وی ادامه داد؛ در دوشنبه نیز پس از انتخابات تجمع کنندگان به حوزه های بسیج حمله کردند و هفت تن از بسیجیان را کشتند. وی افزود؛ فائزه هاشمی نیز پس از این جریان در تجمعی خواستار برگزاری مراسمی برای کشته شدگان در روز پنجشنبه بود اما وقتی قرار شد مقام معظم رهبری در نماز جمعه شرکت کنند آنها این برنامه را تعطیل کرده و برای بر هم زدن نماز جمعه برنامه ریزی کردند ...

فرمانده نیروی مقاومت بسیج افزود؛ همچنین دیگر راهکار آنها این بود که با ساماندهی رسانه ها پس از اعلام شورای نگهبان مشروعیت نظام را زیر سؤال ببرند و حتی در همین راستا بی سی مذاکره ای را با شیرین عبادی و چند تن از حقوقدان ها برگزار کرد و نظام و دولت را به دروغگویی محکوم کردند.

دوشنبه، ۱۲ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳ اوت ۲۰۰۹

امروز مراسم تنفیذ ریاست جمهوری اسلامی توسط علی خامنه ای به محمود احمدی نژاد صورت پذیرفت.



فرزندان ایران زمین در تکثیر و پخش این نشریه ما را یاری خواهند کرد.

Organisation PARS

B.P 6593

75065 Paris Cedex 2 – France

www.sazmanepars.com

Email : sazmanepars@aliceadsl.fr

iran-info@aliceadsl.fr

مسعود ادریسی گفت: « جمهوری اسلامی ارائه ۲۸۰ میلیون دلار وام کم بهره را به دولت اوو مورالس رئیس جمهوری بولیوی تأیید کرده است. »

وی در گفت و گو با « آسوشیتدپرس » افزود: « شرایط این وام هنوز تعیین نشده اما دولت بولیوی می تواند این وام را صرف هر چه می خواهد بکند از جمله سرمایه گذاری در صنایع گاز و نفت. »

جمهوری اسلامی روابط دیپلماتیک خود با بولیوی را در اواخر سال ۲۰۰۷ میلادی آغاز کرد و محمود احمدی نژاد سال گذشته از این کشور دیدار کرد.

دوشنبه، ۱۲ مرداد ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳ اوت ۲۰۰۹

سرکرده بسیج: موسوی با آمریکا رابطه داشته است

روزنامه اعتماد: حجت الاسلام حسین طائب فرمانده نیروی مقاومت بسیج به شدت بر اصلاح طلبان تاخت و آنها را عامل پروژه آمریکا برای « بازی با روحیه ملت » و اغتشاش های اخیر معرفی کرد. طائب در مراسم اختتامیه یازدهمین دوره اساتید بسیجی کشور در مشهد، اصلاح طلبان و کاندیداهای این جریان را همکار امریکایی ها عنوان کرد و گفت؛ «در موسم انتخابات، امریکایی ها پروژه ملت سازی را دنبال کردند و فکر می کردند می توانند همان استراتژی عراق را که روی حاکمان عراق اجرا کردند، در ایران نیز اجرا کنند. بی بی سی را فعال کردند و شبکه های فارسی زبان را، به علاوه استفاده حداکثری از فضای مجازی را در پیش گرفتند و به دنبال بر هم زدن این انتخابات بودند و شرطی را قرار دادند که یا حتماً پیروزی یا حتماً تقلب. » وی خاطرنشان کرد؛ با میرحسین موسوی ارتباط برقرار کردند و در داخل و خارج جریان سازی می کردند و بعضی از احزاب نیز به دنبال این بودند که دولت نهم را ساقط کنند و دولت دیگری روی کار آید و نیز آنقدر روی موسوی کار کردند که او نیز باور کرده بود یا پیروز است و اگر پیروز نباشد تقلب رخ داده است. به گزارش فارس، وی با بیان اینکه آنها عملیات روانی سنگینی را دنبال می کردند و با شعار « اگر تقلب نشه، موسوی رئیس جمهور می شه » جریان سازی را ادامه دادند، اذعان داشت؛ مدل های جدیدی را ساختند و به جریان سازی ادامه دادند و نیز در روز ۲۱ خرداد جریانات خود را سنگین تر کردند. وی ادامه داد؛ دو پیام کوتاه طراحی کردند که یکی نامه قلبی از سوی آقای هاشمی به رهبر معظم انقلاب بود و رهبر نیز در پاسخ به این نامه گفتند ملت فهیم ایران بر سر صندوق های رأی پاسخ دروغگویان